

توافق و سرمایه اجتماعی

محمد عطریان‌فر

۲

مسئله بازداشت‌شدگان

اظهاریات محسن آرمین

۳

دو هفته مهم

ضرب‌الاجل برای مذاکرات؟

۷

آنا تومی یک سفره

سفره‌های خالی ماه رمضان

حلول ماه مبارک رمضان ته‌نیت باد

عذرخواهی کافی نیست!

سخنگوی قوه قضائیه می‌گوید: عذرخواهی ساعدی‌نیا دلیل مختومه شدن پرونده نیست

۷

قضایی



یادداشت روز

میان جنگ و توافق

دو تصویر متناقض از مذاکرات ژنو

فریدون مجلسی

تحلیلگر مسائل بین‌الملل



دور دوم مذاکرات ایران و آمریکا در ژنو در حالی برگزار شد که همزمان دو تصویر متناقض در برابر افکار عمومی شکل گرفت: از یک‌سو گزارش‌ها از فضای «مثبت» و «سازنده» گفت‌وگوها حکایت داشت و از سوی دیگر افزایش تحرکات نظامی آمریکا و رزمایش‌ها و اقدامات متقابل در منطقه، ازجمله در تنگه هرمز، نشانه‌ای آشکار از استمرار منطق بازدارندگی و تهدید بود. این دوگانگی، پرسش بنیادینی را پیش روی تهران و واشنگتن قرار داده است: آیا مسیر کنونی به توافق ختم خواهد شد یا به جنگ؟ واقعیت آن است که منازعه ایران و آمریکا، صرفاً فنی یا اقتصادی نیست؛ بلکه ریشه‌ای راهبردی و ایدئولوژیک دارد. تا زمانی که اهداف کلان و خطوط قرمز بنیادی دو طرف تغییر نکند، توافق‌های جزئی از سطح غنی‌سازی تا برد موشکی نمی‌تواند، تضمینی برای پایان بحران باشد. تجربه برجام نیز نشان داد که توافق‌های فنی بدون حل اختلافات راهبردی، شکننده و موقت هستند. در این میان، پیشنهادهای اقتصادی در مذاکرات، هرچند در نگاه اول جذاب به نظر می‌رسند اما پاسخگوی پرسش اصلی نیستند. تحریم‌ها ابزاری سیاسی هستند و رفع آنها نیز در چارچوب معامله سیاسی معنا دارد. خرید نفت، آزادسازی منابع مالی یا تسهیل تجارت، زمانی اثرگذار است که افق سیاسی روشن باشد؛ در غیر این صورت، هر توافق اقتصادی می‌تواند با یک تصمیم سیاسی لغو شود. مسئله اصلی در این مذاکرات نه فروش نفت است و نه تبادل مالی؛ بلکه آینده امنیت منطقه و نقش بازیگران اصلی آن است. نکته حساس دیگر، مسئله اسرائیل و جایگاه آن در معادلات منطقه‌ای است. تا زمانی که منازعه با اسرائیل به‌عنوان محور اصلی سیاست منطقه‌ای تهران تعریف شود، هر توافق با واشنگتن در معرض فشار و تخریب قرار خواهد گرفت. تجربه کشورهای عربی نشان می‌دهد که صلح، هرچند پرهزینه و بحث‌برانگیز، می‌تواند مسیر توسعه را هموار کند. مصر با پیمان صلح توانست، سینا را بازپس گیرد و مسیر توسعه را آغاز کند؛ اردن و تشکیلات خودگردان نیز از مسیر دیپلماسی امتیازاتی به‌دست آوردند هرچند ناقص و شکننده. در مقابل، استمرار جنگ و تقابل مداوم، اغلب به از دست دادن فرصت‌ها و افزایش هزینه‌ها انجامیده است. از منظر واقع‌گرایانه، توازن قدرت نیز باید در محاسبات سیاست خارجی لحاظ شود. اقتصاد ایران سهمی کمتر از نیم‌درصد از اقتصاد جهانی دارد، در حالی که اقتصاد آمریکا حدود یک‌چهارم تولید جهانی را تشکیل می‌دهد و اسرائیل نیز از نظر فناوری و نظامی از مزیت‌های چشمگیری برخوردار است. جنگ در چنین شرایطی نه یک ابزار بلکه یک قمار پرهزینه است که پیامدهای آن می‌تواند فراتر از حوزه نظامی، زندگی روزمره مردم را هدف قرار دهد؛ از انرژی و آب گرفته تا نان و اشتغال. آسیب‌پذیری زیرساخت‌های انرژی، به‌ویژه منابع گازی و پالایشگاه‌ها، به‌خوبی نشان می‌دهد که یک درگیری محدود نیز می‌تواند، تبعاتی گسترده و فلج‌کننده داشته باشد. نسل جدید ایرانی، که دهه‌ها با تحریم، بحران و التهاب بزرگ شده، بیش از هر چیز خواهان ثبات و توسعه است. این نسل نه خاطره‌ای از جنگ‌های گذشته دارد و نه دغدغه‌های تاریخی را اولویت خود می‌داند؛ بلکه خواستار زندگی عادی در جهان امروز است. سیاست خارجی، اگر قرار است مشروعیت اجتماعی داشته باشد باید این مطالبه را جدی بگیرد. صلح، برخلاف تصور رایج، نیازمند شجاعت بیشتری نسبت به جنگ است. جنگ، در بسیاری موارد، ساده‌ترین گزینه برای سیاستمداران است؛ زیرا هزینه‌های آن به آینده منتقل می‌شود. اما صلح مستلزم تصمیم‌های سخت، بازنگری در اولویت‌ها و پذیرش واقعیت‌های جدید است. مذاکرات ژنو می‌تواند نقطه آغاز چنین بازنگری‌ای باشد، اگر دو طرف اراده سیاسی لازم را داشته باشند. در نهایت، ژنو نه صرفاً یک ایستگاه دیپلماتیک بلکه آزمونی برای عقلانیت راهبردی است. پرسش اصلی این نیست که آیا توافقی موقت حاصل خواهد شد یا نه بلکه این است که آیا سیاست‌گذاران آماده‌اند، مسیر تقابل دائمی را به سمت رقابت مدیریت شده و هم‌زیستی پرتش اما قابل کنترل تغییر دهند. آینده ایران، بیش از هر چیز به پاسخ این پرسش گره خورده است.

هشدار همسایه

رئیس‌جمهور ترکیه می‌گوید: با حمله به ایران مخالف است

و نظرش را به آمریکا اعلام کرده است

سازندگی به نقش این همسایه غربی و نگرانی‌های او پرداخته است



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه دیروز برای بار دوم صریحاً تأکید کرد، ترکیه با هرگونه مداخله نظامی علیه ایران مخالف است و آغاز جنگی جدید، ثبات منطقه را بیش از پیش تهدید خواهد کرد. اردوغان این سخن را در جمع خبرنگاران بیان کرد که «ما موضع خود را به تمامی طرف‌های ذی‌ربط ابلاغ کرده و با هرگونه اقدام نظامی علیه ایران مخالفت کرده‌ایم. جنگ جدیدی که ایران را هدف قرار دهد، به‌نفع هیچ‌کس نخواهد بود؛ برعکس، این منطقه است که زیان خواهد دید».

در جغرافیای سیاست خارجی ایران، همسایگان فقط همسایه نیستند؛ آنها متغیرهای تعیین‌کننده‌اند. در میان همه آنها ترکیه جایگاهی خاص دارد. کشوری با اقتصاد بزرگ‌تر، عضویت در ناتو، پیوندهای عمیق با غرب و در عین حال هویتی اسلامی و منطقه‌ای که آن را به بازیگری چندلایه بدل کرده است. همین چندلایگی است که آنکارا را در بزنگاه‌های پرتش به وزنه‌ای قابل اعتنا تبدیل می‌کند.

در ماه‌های اخیر، با بالا گرفتن تهدیدها علیه ایران، رئیس‌جمهور ترکیه بارها نسبت به هرگونه حمله نظامی هشدار داده است. او صراحتاً اعلام کرده که اقدام نظامی نه‌تنها راه‌حل نیست بلکه می‌تواند، منطقه را وارد چرخه‌ای از بی‌ثباتی گسترده کند. این موضع‌گیری صرفاً یک اظهارنظر دیپلماتیک نبود؛ پیامی بود خطاب به بازیگران فرامنطقه‌ای که ترکیه جنگ در همسایگی خود را خط قرمز امنیت ملی می‌داند.

اردوغان نیز با همین اعتراضات و مشکلات به‌صورت دیگری روبه‌روست. در عالم سیاست هر چیزی ممکن است. چنانکه بهار عربی از تونس آغاز شد و بسیاری از کشورهای عربی را درنوردید. در ترکیه نیز چندین بار اعتراضات مختلفی شروع شد که البته اردوغان توانست آن را مهار کند و حتی یک‌بار نیز نام ایران به میان آمد که زودتر از معمول او را در جریان یک کودتا خبر داده بود. آیا اردوغان درصدد است آن رفتار ایران را چنین جبران کند؟

از دیگر سو، اردوغان به‌خوبی می‌داند که هر درگیری گسترده علیه ایران، دامنه‌ای فراتر از مرزهای تهران خواهد داشت. از بازار انرژی گرفته تا موج‌های احتمالی مهاجرت، از تجارت منطقه‌ای تا امنیت مرزها. مخالفت او با حمله، بیش از آنکه ایدئولوژیک باشد، مبتنی بر محاسبه‌ای راهبردی است. جنگ، به‌ویژه در مقیاس منطقه‌ای، به سود هیچ‌یک از بازیگران همجوار نیست.

ادامه در صفحه ۳

گفتار

توافق و سرمایه اجتماعی

محمد عطریان‌فر: احیای اعتماد عمومی، منوط به «کاهش تحریم‌ها و بهبود ملموس زندگی مردم» است

محمد عطریان‌فر، معاون سیاسی دبیرکل و عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران در گفت‌وگو با خبرآنلاین با اشاره به وضعیت سرمایه اجتماعی در کشور، تأکید کرد تنها در صورتی که توافق احتمالی ایران و آمریکا به «کاهش تحریم‌ها و بهبود ملموس زندگی مردم» بینجامد، می‌توان به ترمیم اعتماد عمومی و احیای سرمایه اجتماعی امیدوار بود. عطریان‌فر معتقد است که «شروع اعتراضات در اواخر دی ماه، بازتاب نارضایتی گسترده از وضعیت معیشتی و سیاسی است» و آن را نشانه‌ای از انباشت بحران‌های چندساله دانست. عطریان‌فر در تشریح علل ریزش سرمایه اجتماعی گفت: «ایران طی چند سال اخیر با یکی از شدیدترین بحران‌های اقتصادی خود روبه‌رو بوده است. تورم بالا، سقوط ارزش پول ملی و کاهش شدید قدرت خرید خانوارها در کنار بیکاری و رشد فقر، خشم عمومی را تشدید کرده‌اند». او اِسن وضعیت را «یک عامل ساختاری» توصیف کرد که «سرمایه اجتماعی را فرسوده و باور به توانایی دولت در حل مشکلات را تضعیف کرده است». عطریان‌فر با بیان اینکه «شروع اعتراضات در اواخر دی‌ماه ۱۴۰۴ در شهرهای مختلف ایران، بازتاب نارضایتی گسترده از وضعیت معیشتی و سیاسی بود» توضیح داد که همزمان با این اعتراضات «نفوذ جریان خشونت‌طلبی که تحت تأثیر عوامل خارجی و با استفاده از تأثیر رسانه وابسته ایران اینترنت‌نشال، نظم اجتماعی کشور را با تخریب، تهاجم و ویرانی وسیع برهم ریخت» موجب تشدید بحران شد، «رخدادی که خواناخواه و درست یا نادرست، بی‌اعتمادی به نهادهای حکومتی از جمله دولت را تشدید کرد».

عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران ادامه داد: «نظرسنجی‌ها و تحلیل‌های اجتماعی نشان می‌دهد، بخش قابل‌توجهی از مردم ایران، اعتماد اندکی به کارایی دولت در حل مشکلات اساسی مانند تورم و بیکاری دارند». به گفته وی، «در مواردی شاخص اعتماد عمومی به دولت در سطح پایین قرار گرفته که نشانه‌ای از انتظارات برآورده نشده مردم است». عطریان‌فر افزود: «دولت پزشکیان با وجود شعار فراموش شده وفای و گفت‌وگوی ملی در بسیاری از زمینه‌ها از جمله در برخورد با گرانی‌ها، اصلاحات ساختاری و پاسخگویی به مطالبات معترضان، قدرت عملی محدودی داشته است». او تصریح کرد: «بسیاری از تحلیلگران معتقدند بخش‌های دیگر نظام، که تعیین‌کننده اصلی سیاست‌ها هستند، تدابیر یک‌جانبه‌گرایانه‌شان به‌صورت غیرمحسوس در این ناکارآمدی‌ها مؤثر بوده و شاید عنصر اصلی نارضایتی‌هاست که دیده نمی‌شود؛ ولی در هر حال مردم عارضه‌های حاصل از آن را از چشم دولت می‌بینند و بازنمایی می‌کنند».

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب هشدار داد: «بدیهی است ریزش سرمایه اجتماعی پیامدهای جدی دارد» و از جمله به «کاهش مشروعیت دولت و نظام در افکار عمومی، افزایش فاصله میان دولت و مردم، گسترش مخاطرات اجتماعی نظیر اعتراضات گسترده‌تر، بی‌اعتمادی به نهاده‌ها و پیچیدگی در اجرای سیاست‌ها» اشاره کرد. به گفته او، «به‌صورت هم‌افزا فضای اجتماعی را حساس‌تر و بحرانی‌تر می‌کند».

عطریان‌فر در بخش دیگری از سخنانش درباره تأثیر توافق احتمالی بر سرمایه اجتماعی گفت: «اگر توافق منجر به کاهش تحریم‌ها، بهبود شرایط اقتصادی و افزایش رفاه عمومی شود، سرمایه اجتماعی تقویت می‌شود». او همچنین تأکید کرد که «کاهش تنش‌های بین‌المللی» می‌تواند «اضطراب جامعه را کاهش داده و دولت را در موقعیت تصمیم‌گیری مستقل‌تر نسبت به فشارهای خارجی قرار دهد». با این حال او هشدار داد: «توافق صرفاً سیاسی با امنیتی، به‌تنهایی نمی‌تواند اعتماد اجتماعی را احیا کند؛ زیرا مردم معمولاً نتایج ملموس معیشتی را معیار قضاوت خود قرار می‌دهند». به گفته وی، «چنانچه توافق با آمریکا در سطح نمادین باقی بماند یا به‌صورت یک‌جانبه از سوی گروه‌های سیاسی داخلی تفسیر شود، اثر واقعی در اعتماد عمومی نخواهد داشت».

عطریان‌فر در پایان تصریح کرد: «ریزش سرمایه اجتماعی در ایران و به‌ویژه در دولت کنونی، نتیجه ترکیب بحران‌های اقتصادی، ناکارآمدی‌های مدیریتی و بی‌اعتنایی به اعتراضات است». او تأکید کرد که «اصلاح این وضعیت نیازمند تغییرات ساختاری و اقتصادی قابل لمس» است و افزود: «گفت‌وگوی مستمر با جامعه مدنی، شفافیت و پاسخگویی در سیاست‌گذاری‌ها و توازن میان سیاست خارجی و رفاه داخلی در کنار توافق با آمریکا، می‌تواند یکی از ابزارهای کاهش رنج اقتصادی و بازسازی اعتماد عمومی باشد»؛ هر چند «بدون انسجام در سیاست‌های داخلی و دولت مقتدر و پاسخگو، نمی‌توان به‌تنهایی سرمایه اجتماعی را احیا کرد».

تلاش دولت برای آزادی بازداشتی‌ها

وزارت دادگستری و وزارت بهداشت

با همکاری قوه قضائیه وضعیت آسیب‌دیدگان و بازداشتی‌ها را پیگیری می‌کنند

پیگیری وضعیت مجروحان و آزادی بازداشت‌شدگان

سازمانی و دارای اسلحه بودند و رهبری این حوادث را برعهده داشتند، آزاد شوند. وزیر دادگستری هم با بیان اینکه تلاش دولت بر این بوده که بازداشت‌شده‌های زیر ۱۸ سال با قرار مناسب آزاد شوند، تأکید کرد که «خیلی از بازداشت‌شده‌های زیر ۱۸ سال آزاد شدند البته مجازات این افراد با سایر بازداشتی‌ها طبق قانون متفاوت است. مگر اینکه مرتکب قتل شده باشند که موردی را در افراد زیر ۱۸ سال ندیدیم». به گفته وزیر دادگستری اکنون به‌نظر می‌رسد دیگر دانش‌آموز بازداشتی وجود ندارد اما هنوز تعدادی از افراد زیر ۱۸ سال باقی مانده‌اند که پیگیری‌ها برای آزادی آنها با وثیقه ادامه دارد.

تلاش برای برآورد خسارات و شفافیت

بنا بر گزارش‌ها از بعد اقتصادی و اجتماعی نیز برآورد خسارات مالی و اقتصادی حوادث دی‌ماه از سوی استانداران و معاونت‌های مرتبط در حال انجام است. این اقدامات نه‌متها برای پرداخت غرامت به خانواده‌ها و آسیب‌دیدگان اهمیت دارد بلکه بخشی از فرآیند مستندسازی و پیشگیری از تکرار چنین حوادثی در آینده است. مستندسازی دقیق و شفاف، پایه تصمیم‌گیری‌های آسی دولت در حوزه‌های امنیت، آموزش و مدیریت بحران خواهد بود. اهمیت این اقدامات در چارچوب پاسخگویی و شفافیت دولت نیز قابل‌توجه است. توجه



به بعد انسانی و حقوقی حوادث همزمان با پیگیری پرونده‌های حقوقی داخلی و بین‌المللی، نشان می‌دهد که دولت در تلاش است تا تعادل میان عدالت، رواداری اجتماعی و پاسخگویی به افکار عمومی را حفظ کند. رویکردی که می‌تواند، اعتماد عمومی را تقویت و مسیر بازسازی سرمایه اجتماعی را هموار کند. در مجموع، ترکیب اقدامات حقوقی، انسانی، اقتصادی و دیپلماتیک نشان می‌دهد که دولت می‌کوشد، حوادث دی‌ماه را با نگاه چندجانبه مدیریت کند. از تشکیل کارگروه‌های ویژه و مستندسازی خسارات گرفته تا پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان و خانواده‌های آسیب‌دیده، هنگی بخش‌هایی از یک راهبرد جامع هستند. این رویکرد، هم به‌معنای حفظ حقوق شهروندان و رعایت مقررات بین‌المللی و داخلی است و هم تلاشی برای جلوگیری از وقوع بحران‌های مشابه در آینده. بنابراین با توجه به تمام اقدامات یادشده، می‌توان گفت که دولت اکنون در مسیر ایجاد پاسخگویی، شفافیت و بازسازی اجتماعی حرکت می‌کند.

به وضعیت مجروحان، جان‌باختگان و بازداشتی‌ها شده است. این کمیته به صورت مستقیم با قوه قضائیه همکاری می‌کند تا پرونده‌های بازداشت‌شدگان با تسهیل قانونی و سرعت مناسب بررسی شود. در این میان، هدف نهایی دولت، تضمین رعایت عدالت و حقوق شهروندی و آزادی تمامی افرادی است که در این حوادث نقش کلیدی یا خطرناک نداشته‌اند. موضوع بازداشت‌ها هم یکی دیگر از محورهای مهم سیاست دولت است. براساس اظهارات حضرتی و امین‌حسین رحیمی، وزیر دادگستری، تلاش شده بازداشت‌شدگان بدون جرائم سنگین، به‌ویژه دانش‌آموزان و افراد زیر ۱۸ سال با قرار مناسب آزاد شوند. حضرتی خبر داد که با قوه قضائیه، تماس‌ها و جلساتی برقرار شده که تا آنجا که می‌توانند، پرونده تمام بازداشت‌شدگان را با قبض عین (چشمپوشی) و به شکل آسان پیگیری کنند. به گفته رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت، نظر دولت این است که تمام بازداشت‌شدگان منهای کسانی که ارتباطات سنگین مالی،

سیاست

مسئله بازداشت‌شدگان

محسن آرمین: اظهارات رئیس‌جمهور درباره شکوری‌راد منصفانه نبود

گروه سیاسی: محسن آرمین، نایب‌رئیس اول جبهه اصلاحات ایران در جلسه اخیر مجمع عمومی این جبهه ضمن همدردی با آسیب‌دیدگان حوادث اخیر با انتقاد از تداوم بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه، خواستار آزادی آنان شد و تأکید کرد برای رسیدگی به حوادث آن مقطع باید کمیته‌ای حقیقت‌یاب، مستقل و بی‌طرف تشکیل شود تا «فاجعه دی‌ماه بدون هیچ‌گونه اغماض و مماشات» بررسی شود. او همچنین با اشاره به بازداشت چند عضو جبهه اصلاحات از تلاش‌های سیدمحمد خاتمی، مسعود پزشکیان و محمدرضا عارف برای کاهش هزینه این احضارها و بازداشت‌ها قدردانی کرد و در عین حال گفت، اظهارات رئیس‌جمهور درباره دکتر شکوری‌راد «منصفانه و سنجیده» نبوده است. آرمین همچنین هشدار داد که برخی محافل خشونت‌طلب و تقدیس‌کنندگان خشونت با رفتار و مواضع خود «نمک روی زخم مردم می‌پاشند».

آرمین با اشاره به چهلمین روز فاجعه دی‌ماه گفت: در آستانه چهلمین روز فاجعه دی‌ماه قرار داریم که طی آن چندین هزار تن از مردم این سرزمین جان باختند. این فاجعه باورناکردنی، زخمی عمیق بر ذهن و روان جامعه ایران بر جای گذاشته که به‌سادگی التیام نخواهد شد. کمترین کاری که می‌توان کرد این است که بکوشیم، تاب‌آوری و توان جامعه در تحمل این مصیبت افزایش یابد. وی افزود: با کمال تأسف به‌نظر می‌رسد حتی این حداقل نیز از سوی صداوسیما و برخی محافل خشونت‌طلب و تقدیس‌کنندگان خشونت از مردم دریغ می‌شود و نمک روی زخم مردم می‌پاشند. تأسف‌بارتر آنکه

ظاهراً در میان مسئولان نیز درک واحد و دقیقی از ابعاد این فاجعه وجود ندارد.

آرمین همچنین به احضار و بازداشت فعالان سیاسی، اشاره کرد و گفت: احضار و بازداشت فعالان و کنشگران سیاسی، چه از جبهه اصلاحات ایران و چه خارج از آن و اتهاماتی که متوجه جبهه اصلاحات ایران کردند (که طبعاً نمی‌توان به‌سادگی از کنار آن گذشت و نخواهیم گذشت) نشان‌دهنده همین امر است. جا



دارد از آقایان سیدمحمد خاتمی، پزشکیان و عارف قدردانی و تشکر کنیم که تلاش کردند هزینه این احضارها و بازداشت‌ها کمتر از آن چیزی شود که می‌توانست بشود. امید است سایر عزیزی که همچنان در بازداشت به‌سر می‌برند ازجمله آقایان بهزادبان‌نژاد، حسین کروی و شکوری‌راد هرچه سریع‌تر آزاد شوند. همچنین امیدواریم و اصرار داریم همه افسردی که طی این حوادث صرفاً به دلیل اعتراض، بازداشت شده و مرتکب جرمی نشده‌اند هرچه سریع‌تر آزاد شوند. آنها برای ما تفاوتی با اعضای جبهه اصلاحات

ایران ندارند؛ بلکه چه بسا از نظر ما آزادی آنها اولویت بیشتری دارد چراکه ما اینجا هستیم تا از مطالبات جامعه دفاع کنیم و از رنج و مرارت آنها بکاهیم. لذا تأکید ما بر آزادی آنان طبعاً بیش از تأکید بر آزادی دوستانمان در جبهه اصلاحات ایران و خارج از این جبهه است. او در ادامه گفت: در عین حال ضمن تشکر از آقای پزشکیان، لازم می‌دانم گله‌ای را با ایشان مطرح کنم. اظهاراتی که ایشان درباره برادر عزیزمان آقای دکتر شکوری‌راد بیان کردند، منصفانه و سنجیده نبود. منصفانه نبود چون ایشان در حبس به‌سر می‌برند و امکان پاسخگویی ندارند و سنجیده نبود چون پاسخی قانع‌کننده به سخنان ایشان ندادند. بهتر آن بود تلاش می‌شد ابتدا ایشان آزاد شوند سپس گفت‌وگویی مستقیم صورت گیرد زیرا با توجه به سوابق و قرآن اظهارات آقای شکوری‌راد به‌اندازه کافی قابل تأمل و بررسی است. نایب‌رئیس اول جبهه اصلاحات ایران در نهایت تأکید کرد: رامحل این مسئله نه پاسخگویی از طریق رسانه و در سخنرانی است و نه آن‌چنان که فرموده‌اند، مطالبه دلیل و مدرک از ایشان بلکه راه اصولی چنان‌که در بیانیه اخیر جبهه اصلاحات ایران آمده است؛ تشکیل یک کمیته حقیقت‌یاب مستقل و بی‌طرف، متشکل از نمایندگان دولت و قوه قضائیه، نهادهای امنیتی، خانواده جانباختگان، وکلا و حقوقدانان، احزاب و تشکل‌های سیاسی و مدنی مستقل و نهادهای حقوق بشری در کشور است تا مسئله به‌صورت جامع بررسی و ابعاد و علل این فاجعه روشن شود و قصورها تقصیرها، بدون هیچ‌گونه اغماض و مماشات مورد رسیدگی قرار گیرد. تنها در این صورت است که می‌توان افکار عمومی را قانع کرد و به آن پاسخی مسئولانه داد.



دو هفته مهم

آیا ضرب‌الاجلی برای مذاکرات تعیین شده است؟

دومین دور مذاکرات ایران و آمریکا روز سه‌شنبه در محل اقامت سفیر عمان در ژنو برگزار شد و به گفته سیدعباس عراقچی، رئیس هیأت ایرانی، طرفین در پایان این نشست توانستند بر مجموعه‌ای از اصول راهنما به توافق کلی دست یابند. وزارت خارجه عمان نیز اعلام کرد که این گفت‌وگوهای غیرمستقیم با پیشرفت ملموسی به پایان رسید و مسیر برای ادامه قریب‌الوقوع آنها هموار شد. در همین حال، جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، در گفت‌وگو با فاکسن‌نیوز، از پیشرفت مذاکرات ابراز رضایت کرد و گفت که روند گفت‌وگوها «به‌نوعی خوب پیش رفته است»، هرچند مدعی شد ایران حاضر به پذیرش برخی خطوط قرمز تعیین‌شده توسط ترامپ نشده و بر روی آنها کار نکرده است. ونس ضمن ابراز امیدواری نسبت به موفقیت مذاکرات، تأکید کرد که تصمیم نهایی در این زمینه با دونالد ترامپ خواهد بود. یک مقام آمریکایی نیز اعلام کرد که ایران پذیرفته، طرف دو هفته متن پیشنهادی خود را ارائه کند تا به شکاف‌های موجود میان مواضع دو طرف پرداخته شود. به گزارش شبکه سی‌ان‌ان، این بازه دو هفته‌ای همزمان با زمان لازم برای رسیدن ناو هواپیمابر یواس‌اس جرالد فورد، بزرگ‌ترین ناو هواپیمابر جهان، همراه با گروه ضربت آن به خاورمیانه، همخوانی دارد و این موضوع ابهاماتی را درخصوص دستاوردهای احتمالی آمریکا در صورت شکست مذاکرات و اقدام نظامی علیه ایران ایجاد کرده است.

ادامه تیتربک

هشدار همسایه

در عین‌حال، ترکیه در سال‌های اخیر کوشیده خود را به‌عنوان میانجی فعال در بحران‌های منطقه معرفی کند؛ از پرونده اوکراین تا قفقاز. در این چارچوب، مخالفت علنی با درگیری نظامی علیه ایران، بخشی از تصویر بزرگ‌تری است که آنکارا از نقش خود ترسیم می‌کند. بازیگری که می‌خواهد میز مذاکره را جایگزین میدان نبرد کند. اردوغان همین نقش را برای ایران و آمریکا نیز ایفا کرد. پس از حدود هشت ماه فاصله و رکود در گفت‌وگوهای ایران و آمریکا، تحركات تازه‌ای شکل گرفت که در نهایت به آغاز مذاکرات در عمان انجامید. هرچند میز رسمی گفت‌وگو در خاک ترکیه برپا نشد، اما نقش آنکارا در ایجاد فضای تنفسی برای دیپلماسی را نمی‌توان نادیده گرفت. اردوغان در تماس‌ها و رایزنی‌های خود، بر ضرورت بازگشت به مذاکره تأکید کرده و از هر دو طرف خواسته بود مسیر دیپلماسی را باز نگه دارند.

برای ایران، ترکیه فقط یک شریک تجاری با همسایه مرزی نیست؛ در شرایط فشار و تهدید، موضع آنکارا می‌تواند به‌عنوان سپر سیاسی در برابر ائتلاف‌های جنگ‌طلبانه عمل کند. مخالفت آشکار اردوغان با درگیری نظامی، پیام روشنی به منطقه و غرب ارسال می‌کند. جنگ علیه ایران، پروژه‌ای بدون اجماع منطقه‌ای است. در خاورمیانه‌ای که اغلب با صدای انفجار شناخته می‌شود، گاهی اهمیت یک بازیگر در همان لحظه‌ای آشکار می‌شود که می‌گوید: «نه به جنگ». ترکیه در این مقطع، چنین نقشی ایفا کرده است؛ همسایه‌ای که فهمیده امنیتش از امنیت پیرامونش جدا نیست.

اکنون همزمان با گسیل تجهیزات نظامی آمریکا به منطقه، نگرانی کشورهای منطقه نسبت به هرگونه درگیری بین ایران و آمریکا افزایش یافته است و سران این کشورها به‌طور مداوم با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در تماس هستند. مؤسسه جنگ واشنگتن در این باره نوشت حجم تسلیحات انتقالی واشنگتن به خاورمیانه بیش از آن چیزی است که برای تحت‌فشار قرار دادن تهران باشد! برخی از کارشناسان بر این باورند که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل بار دیگر با موفقیت، رئیس‌جمهور دیگری از ایالات متحده را پس از بوش دست‌کاری کرد و جنگ دیگری در خاورمیانه را روشن کرد. با این حال رسانه‌های آمریکایی معتقدند که استیو ویتکاف تنها سد محکم مقابل ترامپ برای آغاز جنگ است.

پیش‌تر برخی کشورهای عربی در تلاش بودند تا در مذاکرات ایران و آمریکا پیمان عدم تجاوز نظامی امضا شود تا از هرگونه حمله نظامی جلوگیری شود. اما پرسش اساسی این است که چرا کشورهای منطقه از احتمال درگیری نظامی میان ایران و آمریکا هراس دارند. این موضوع در ظاهر متناقض به‌نظر می‌رسد. با

برخی تحلیلگران معتقدند این ابهام‌ها ممکن است دونالد ترامپ را به پذیرش طولانی‌تر شدن مذاکرات سوق دهد. لارنس نورمن، خبرنگار وال‌استریت ژورنال، پس از اظهارنظر جی‌دی ونس مبنی بر عدم پذیرش خواسته‌های اصلی آمریکا توسط ایران، تأکید کرد که مسیر دیپلماسی دشوارتر شده و واشنگتن دو هفته مهلت داده تا تهران به نگرانی‌های ایالات متحده پاسخ دهد.

هفته گذشته، دونالد ترامپ در پاسخ به پرسش خبرنگاری درباره زمان‌بندی مذاکرات، اظهار کرد که «فکر می‌کنم طی یک ماه آینده، چیزی در همین حدود اتفاق بیفتد» و افزود که این روند نباید طولانی شود و باید سریع رخ دهد. او همچنین تغییر رژیم در ایران را «بهترین اتفاق ممکن» خوانده بود. در کنار این اظهارات، رسانه‌های بین‌المللی نیز به تحلیل نتایج دور دوم مذاکرات پرداختند.

به نوشته نیویورک‌تایمز، سه مقام ایرانی مطلع از مذاکرات فاش کردند که تهران آمادگی خود را برای تعلیق غنی‌سازی اورانیوم به مدت سه تا پنج سال اعلام کرده است، دوره‌ای که شامل دوران ریاست جمهوری ترامپ می‌شود سپس ایران به عضویت یک بلوک منطقه‌ای برای غنی‌سازی صلح‌آمیز درخواهد آمد. در همین راستا، دیمیتری پسکوف، سخنگوی کاخ کرملین، از آمادگی مسکو برای نگهداری اورانیوم غنی‌شده مازاد ایران در صورت توافق میان واشنگتن و تهران خبر داد. به نوشته نیویورک

تایمز، ایران همچنین سطح غلظت اورانیوم خود را در داخل کشور با نظارت بازرسان بین‌المللی کاهش خواهد داد و در مقابل آمریکا تعهد به رفع تحریم‌های مالی و بانکی و لغو ممنوعیت صادرات نفت ایران خواهد داد. براساس این گزارش، تهران همچنین به ارائه محرک‌های مالی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تجارت با ایالات متحده، ازجمله در بخش نفت و انرژی، اشاره کرده است. روزنامه انگلیسی تلگراف نیز به نقل از منابع آگاه نوشت که ایران و آمریکا بر سر مجموعه‌ای از عناصر بالقوه توافق احتمالی آینده به اجماع رسیده‌اند، موضوعاتی که می‌تواند شامل مسائل تحریمی نیز باشد.

با این حال، وبگاه آکسیوس به بعد دیگری از تحولات پرداخت و به نقل از مقام‌های اسرائیلی گزارش داد که تل‌آویو برای احتمال درگیری نظامی با ایران در روزهای آتی آماده می‌شود. این آمادگی بر فرض شکست مسیر دیپلماتیک و فراهم شدن زمینه برای عملیات نظامی علیه ایران است و به گفته منابع

در چشم بسیاری از رهبران عرب، تهدید ایران و نیروهای نیابتی آن را هم‌سطح یا حتی فراتر کرده است. پس از رویدادهایی مانند حمله ۲۰۲۵ به دوحه و ویرانی‌های مداوم در غزه و لبنان، بسیاری از کشورهای عربی اکنون حمله به ایران به رهبری آمریکا را نه به‌عنوان یک اقدام دفاعی بلکه به‌عنوان ادامه یک دستورکار محور اسرائیلی می‌بینند که می‌تواند به پروژه «اسرائیل بزرگ‌تر» منجر شود. این دیدگاه منجر به نزدیکی تاکتیکی میان طرف‌ها شده است؛ احیای روابط ایران و عربستان سعودی طی ۳ سال گذشته و تعمیق کانال‌های دیپلماتیک پس از آن، یک «حباب کاهش تنش» منطقه‌ای ایجاد کرده است. هرگونه حمله آمریکا برای شکستن این حباب به‌معنای کنار گذاشتن سال‌ها دیپلماسی دقیق منطقه‌ای است که موفق شده، نزاع را از میدان نبرد به میز مذاکره در مسقط و ژنو منتقل کند.

مصر و کشورهای شام نیز لایه‌ای از ریسک سیستماتیک به این محاسبات اضافه می‌کنند. برای قاهره، امنیت کانال سوئز و کشتیرانی دریای سرخ ستون فقرات اقتصاد ملی است. هر جنگ منطقه‌ای با حضور ایران تقریباً مطمئناً «محور مقاومت» را فعال می‌کند و منجر به بی‌ثباتی طولانی‌مدت دریایی می‌شود که می‌تواند، دولت مصر را با از دست دادن درآمدهای کانال سوئز ورشکسته کند. علاوه بر این چشم‌انداز یک ایران فروپاشیده نه‌فقط تضعیف شده، کابوس دیکتاتوری‌های منطقه‌ای است. آنها می‌ترسند که هرح و مرج ناشی از «کشور شکست‌خورده» ایران، همانند بدترین نتایج مداخلات عراق و لیبی، زمینه رشد گروه‌های افراطی غیردولتی را فراهم کند که مرزهای ملی را رعایت نمی‌کنند.

تهاتماً، مسئله «انتقام نامتقارن» نیز بسیار اهمیت دارد. کشورهای عربی میزبان پایگاه‌های نظامی آمریکا، مانند قطر (پایگاه العدید) و بحرین (ناوگان پنجم)، کاملاً آگاه هستند که به خط‌مقدم حملات متقابل ایران تبدیل خواهند شد. دکترین نظامی ایران در ۲۰۲۶ بر «تحمیل هزینه» به‌جای پیروزی در یک جنگ متعارف بنا شده است. تهران با ترکیبی از موشک‌های بالستیک، ریزه‌پاشاها و جنگ سایبری، نشان داده است که در یک خلأ با آمریکا نمی‌جنگد؛ بلکه با تخریب زیرساخت‌های متحدان آمریکا به مقابله خواهد پرداخت. این واقعیت باعث شده که متحدان آمریکا، مانند عربستان و امارات، صراحتاً استفاده از حرم هوایی یا پایگاه‌های خود برای عملیات تهاجمی علیه ایران را ممنوع کنند.

اجماع میان کشورهای عربی و ترکیه روشن است: جنگ با ایران جنگی است که آنها توان پیروزی در آن را ندارند زیرا پیروزی در خرابه‌های آرزوهای منطقه‌ای خودشان یافت خواهد شد.



آگاه، چنین عملیاتی ممکن است با مشارکت آمریکا انجام شود و محدود به اقدامات نقطه‌ای نباشد بلکه کارزاری گسترده و چند هفته‌ای باشد که شباهت بیشتری به جنگ تمام‌عیار دارد. با این حال، برخی ارزیابی‌ها در واشنگتن نشان می‌دهد که هنوز تصمیم نهایی اتخاذ نشده و دولت آمریکا ممکن است نیاز به زمان بیشتری داشته باشد. آکسیوس به نقل از لیندزی گراهام، سناتور جمهوری‌خواه، نوشت که حملات احتمالی ممکن است طی چند هفته آینده رخ دهد، هرچند برخی دیگر جدول زمانی کوتاه‌تری را محتمل می‌دانند. در فضای کنونی کارشناسان معتقدند، دشوار است حداکثر امتیازهایی که ایران حاضر به ارائه آن است، بتواند حداقل‌هایی که دولت آمریکا آماده پذیرش آن است را برآورده کند. با این حال، امکان دستیابی به تفاهم‌های محدود و موقت وجود دارد؛ تفاهم‌هایی که ممکن است بر پایه امتیازاتی در حوزه هسته‌ای ایران، در برابر رفع تهدید فوری نظامی آمریکا و آزادسازی بخشی از دارایی‌های ایران شکل گیرد.

آمریکای لاتین

خودداری از محاصره نظامی کوبا

درخواست روسیه از آمریکا

«سرگئی لاوروف» وزیر امور خارجه روسیه در دیدار با «برنو رودریگز» همتای کوبایی خود که رفتار خلاف قوانین بین‌المللی واشنگتن علیه کوبا را تهدیدی برای حاکمیت ملی این کشور آمریکای لاتین دانست از آمریکا خواست از برنامه محاصره نظامی کوبا خودداری کند. خبرنگاری ریانووستی گزارش داد که رودریگز در دیدار با «سرگئی لاوروف» وزیر امور خارجه روسیه گفت: «ما نگران بدتر شدن وضعیت بین‌المللی در وضعیت ناعادلانه فعلی نظم بین‌المللی هستیم. باید گفت که آمریکا و دولت آن اقدامات تازده‌ای در دزدی، مداخله، نقض قوانین بین‌المللی و بی‌اعتنایی به سازمان ملل انجام می‌دهد که تهدیدی علیه نظم جهانی، اصول چندجانبه‌گرایی سازمان ملل و به‌طور کلی تهدیدی علیه حاکمیت بین‌المللی و منطقه‌ای تمامی کشورها بدون استثنا به‌شمار می‌رود». او افزود که کوبا قاطعانه به سمت دفاع از استقلال و حاکمیت ملی خود پیش می‌رود و همواره آماده گفت‌وگوی مبتنی بر احترام و از موضع برابر با هر کشوری خواهد بود. این دیپلمات ارشد کوبا همچنین درباره روابط هاوانا با مسکو تأکید کرد: «روابط میان روسیه و کوبا تاریخی، دوستانه، منحصربه‌فرد و راهبردی است. ما خاطر‌نشان می‌کنیم که توافقات و پروژه‌های ما در حال پیشرفت هستند و به‌رغم شرایط دشوار به اجرای توافقات حاصل‌شده، ادامه خواهیم داد». به نوشته ریانووستی، لاوروف نیز در این دیدار درباره رویکرد واشنگتن نسبت به هاوانا و تشدید تنش‌های نظامی میان دو کشور گفت: «ما به همراه اکثریت جامعه بین‌المللی از آمریکا می‌خواهیم عقلانیت به خرج دهد، رویکردی مسئولانه اتخاذ و از برنامه‌ها برای محاصره دریایی (کوبا) صرف‌نظر کند». وزیر امور خارجه روسیه با گفتن اینکه مسکو ادعاها مبنی بر اینکه همکاری با کوبا هدفی علیه واشنگتن دنبال می‌کند را رد می‌کند، افزود که مسائل میان واشنگتن و هاوانا باید از طریق گفت‌وگو حل شود. او افزود: «ما به حمایت از کوبا و مسردم آن در حفاظت از حاکمیت ملی و امنیت این کشور ادامه خواهیم داد». لاوروف همچنین خاطر‌نشان کرد که روسیه قانون آمریکا مبنی بر تهدیدآمیز خواندن کوبا برای ایالات متحده را محکوم می‌کند.



گزارش نشر

گذار پُرتنش نشر

تأثیر تخفیف‌های فروشگاه‌های آنلاین بر کتاب‌فروشی‌ها



بازار کتاب ایران، سال‌های اخیر با پدیده‌ای روبه‌رو شده که هرچند به‌نفع مصرف‌کننده به نظر می‌رسد اما گویا درحال برهم زدن تعادل چرخه نشر است؛ پدیده گسترش فروشگاه‌های برخط، با تخفیف‌های چشم‌گیر و گاه نامتعارف. هرچند ظهور فروشگاه‌های برخط، نشانه توسعه فناوری و تسهیل دسترسی مخاطبان به کتاب معرفی می‌شود، امروزه به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کتاب‌فروشان تبدیل شده است. تخفیف‌هایی که گاه از حاشیه سود واقعی کتاب هم فراتر می‌روند، رقابتی نابرابر ایجاد کرده‌اند؛ رقابتی که بسیاری از کتاب‌فروشی‌های فیزیکی، توان ایستادگی در برابر آن را ندارند.

رقابت نابرابر

چند سال گذشته، به‌ویژه پس از همه‌گیری کرونا، ایجاد فروشگاه‌های برخط کتاب با سرعت چشمگیری افزایش پیدا کرد. این رشد سریع، بدون شکل‌گیری سازوکارهای نظارتی و صنفی متناسب به بازاری آشفته انجامیده است.

فریدن زمانی، مدیر کتابسرای بهنام در این خصوص به اینا می‌گوید: «طی چند سال اخیر عده زیادی بدون سازوکار محکم و قاعده، بسیار راحت به ایجاد فروشگاه برخط کتاب اقدام کرده‌اند.» به گفته او، پیش از این اعتماد عمومی به خرید اینترنتی چندان زیاد نبود، اما تغییر الگوی مصرف به‌ویژه در دوران کرونا، مسیر را برای گسترش این فروشگاه‌ها هموار کرد. فروشگاه‌های برخط کتاب را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: فروشگاه‌هایی که از سوی افراد کم‌تجربه در حوزه نشر ایجاد شده‌اند، فروشگاه‌های متعلق به ناشران یا کتاب‌فروشان، هم‌چنین صفحات فروش کتاب در پلتفرم‌های بزرگ تجارت الکترونیک. هرچند حضور فناوری در صنعت نشر اجتناب‌ناپذیر است اما مسأله اصلی به نحوه «قیمت‌گذاری» و «سیاست‌های تخفیف» بازمی‌گردد. زمانی تأکید می‌کند «در عصر فناوری نمی‌توان، مانع فعالیت فروشگاه‌های برخط شد» اما در عین حال معتقد است، نبود دستورالعمل مشخص درباره سقف تخفیف‌ها زمینه رقابت مخرب را فراهم کرده است. مشکل، هنگامی حاد می‌شود که ناشر، کتاب را با درصد مشخصی تخفیف در اختیار کتاب‌فروش قرار می‌دهد اما همان عنوان را در فروشگاه‌های برخط خود با تخفیف بیشتری عرضه می‌کند. در چنین شرایطی، در عمل کتاب‌فروش امکان رقابت قیمتی را از دست می‌دهد. به گفته این فعال صنفی «کتاب‌فروش نمی‌تواند با این تخفیف‌ها با ناشر رقابت کند.» نتیجه این وضعیت در رفتار مشتریان نیز قابل مشاهده است: مخاطب پس از دیدن قیمت در کتاب‌فروشی، خرید را به امید یافتن نسخه ارزان‌تر در فضای آنلاین به تعویق می‌اندازد. این اختلاف قیمت فقط به کتاب‌های جدید محدود نمی‌شود. فروش نسخه‌های قدیمی‌تر با قیمت‌های کمتر در سایت ناشر در کنار عرضه کتاب‌ها با قیمت به‌روز به کتاب‌فروشان، شکاف بیشتری ایجاد می‌کند. کتاب‌فروش با پدیده‌ای روبه‌رو است که در آن ویت‌ترین فروشگاه‌هاش به نمایشگاهی برای انتخاب کتاب تبدیل می‌شود اما خرید نهایی در فضای برخط انجام می‌گیرد. این روند، مدل اقتصادی کتاب‌فروشی‌های فیزیکی که بر گردش سریع سرمایه و فروش حضوری استوار است را تضعیف می‌کند.

از منظر صنفی، یکی از انتقادهای اصلی به ضعف نظارت و صدور آسان مجوز برای فروشگاه‌های برخط مربوط می‌شود. مدیر کتابسرای بهنام با انتقاد از وضعیت موجود می‌گوید: «نایاب به راحتی مجوز پایگاه فروش برخط کتاب صادر شود.» به اعتقاد او متقاضیان ایجاد چنین فروشگاه‌هایی باید دست‌کم

دارای پروانه نشر یا جواز کسب کتاب‌فروشی باشند تا شناخت حداقلی از ساختار بازار کتاب داشته باشند. ورود بازیگران متعدد بدون تجربه کافی به تشدید رقابت قیمتی و بی‌ثباتی بازار دامن زده است.

درهم‌آمیختگی نقش‌ها در زنجیره نشر

علاوه‌بر مسأله تخفیف، درهم‌آمیختگی نقش‌ها در زنجیره نشر نیز به پیچیده‌تر شدن وضعیت انجامیده است. مرز میان ناشر، پخش‌کننده و کتاب‌فروش کمرنگ شده و بسیاری از فعالان، هم‌زمان چند نقش را بر عهده گرفته‌اند. به گفته این فعال حوزه کتاب، «کتاب‌فروش، شده ناشر، ناشر شده فروشنده و پخش‌کننده شده ناشر.» این تداخل وظایف اگرچه می‌تواند از منظر اقتصادی برای برخی بازیگران سودآور باشد اما تعادل سنتی زنجیره تأمین کتاب را بر هم می‌زند.

یکی از پیامدهای مستقیم این وضعیت، تضعیف چرخه سنتی است که ناشر، پخش‌کننده و کتاب‌فروش هرکدام وظیفه مشخصی داشتند. ناشر برای تأمین نقدینگی به فروش از طریق شبکه کتاب‌فروشی‌ها متکی بود و پخش‌کننده، نقش واسطه را ایفا می‌کرد؛ درحالی‌که اکنون با گسترش فروش برخط و مستقیم، این چرخه دچار اختلال شده است. همان‌طور که فریدن زمانی هشدار می‌دهد، «چرخه‌ای که بین ناشر، پخش‌کننده و کتاب‌فروش وجود داشت، در حال نابودی است.» پیامدهای این نابسامانی تنها به رقابت برخط محدود نمی‌شود. کتاب‌فروشان هم‌زمان با چالش‌های دیگری نیز دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛ ازجمله حذف از برخی رویدادهای بزرگ، تعطیلی‌های مقطعی ناشی از آلودگی هوا یا بحران‌های بهداشتی مثل کووید ۱۹ و نوسانات اقتصادی. در چنین شرایطی، فشار مضاعف ناشی از تخفیف‌های نامتعارف می‌تواند، بقای بسیاری از کتاب‌فروشی‌های مستقل را تهدید کند. این فعال صنفی یادآور می‌شود که آسیب به هر حلقه از این زنجیره، کل بازار را متاثر می‌کند زیرا «وقتی یک نفر آسیب ببیند، همه دچار مشکل می‌شوند.»

ضرورت تنظیم‌گری هوشمندانه

با وجود این انتقادات، به نظر می‌رسد کمتر کسی اصل «فروش برخط» نادیده بگیرد؛ بنابراین راحل اصلی، ضرورت تنظیم‌گری هوشمندانه و ایجاد قواعد مشترک برای حفظ رقابت سالم است؛ به عبارت دیگر تعیین سقف منطقی برای تخفیف‌ها، شفاف‌سازی روابط مالی میان ناشر و کتاب‌فروش و تقویت حضور نمایندگان کتاب‌فروشان در نهادهای صنفی می‌تواند، بخشی از راحل باشد. پیشنهاد تشکیل اتحادیه‌ای با نمایندگی واقعی کتاب‌فروشان نیز در همین چارچوب مطرح می‌شود تا صدای این بخش از بازار بیشتر شنیده شود. تجربه بازارهای دیگر کشورها نشان می‌دهد، حمایت از کتاب‌فروشی‌های محلی، نه صرفاً براساس ملاحظات صنفی بلکه به دلیل نقش فرهنگی و اجتماعی آن‌ها اهمیت دارد. کتاب‌فروشی‌ها تنها محل فروش کالا نیستند؛ آن‌ها فضاهایی برای ترویج کتاب‌خوانی، برگزاری رویدادهای فرهنگی و شکل‌گیری ارتباط اجتماعی‌اند. اگر رقابت قیمتی افسارگسیخته به حذف تدریجی این فضاها بینجامد، زیان آن عمیق‌تر از یک مسئله اقتصادی خواهد بود. در نهایت، مسأله تخفیف‌های نامتعارف فروشگاه‌های برخط کتاب را باید نشانه‌ای از یک گذار پُرتنش صنعت نشر به عصر دیجیتال دانست. گذری که بدون سیاست‌گذاری دقیق، می‌تواند به تمرکز بازار در دست چند بازیگر بزرگ و تضعیف شبکه گسترده کتاب‌فروشی‌ها منجر شود.

راه سوم آقا بزرگ

یادی از **بزرگ علوی** در بیست‌ونهمین سال درگذشتش

میسز وارن» اثر جرج برنارد شاو، نمایش‌نامه‌نویس ایرلندی. ترجمه‌های علوی از نظر منتقدان دقیق و با فارسی روانی نوشته شده است.

گروه ربه

بزرگ علوی پس از بازگشت به ایران با صادق هدایت آشنا شد. آن‌ها به این فکر افتادند تا درباره لطماتی که در طول تاریخ سه فرهنگ ایران وارد شده، داستان‌هایی بنویسند. با پیوستن ششین پرتو به آن‌ها، کتاب «انبران» را در ۱۳۱۰ منتشر کردند که شامل سه داستان بود. صادق هدایت «سایه مغول»، بزرگ علوی «دیو راه» و ششین پرتو «حمله اسکندر به ایران» را نوشت. چندی بعد، مجتبی مینوی، مسعود فرزاد و عبدالحسین نوشین به این جمع اضافه شدند که هر کدام در شاخه‌ای از فرهنگ و هنر دست داشتند. در آن زمان این حلقه ادبی نوگرا به «گروه ربه» معروف شدند؛ در مقابل «ادبای سبیه» که برخی از اساتید ادبیات کهن را شامل می‌شدند. گروه ربه نماینده ادبیات نوگرای ایران بود که می‌کوشید، فرهنگ باستانی و جدید ایران را با فرهنگ و ادبیات مدرن اروپا پیوند دهد. این گروه نقشی کلیدی در گسترش ادبیات و داستان‌نویسی نوین ایران بر عهده داشت.

یکی از ۵۳ نفر

بزرگ علوی پس از بازگشت به ایران، داستان «باد سام» را نوشت و با کمک صادق هدایت منتشر کرد. هم‌چنین با دکتر تقی ارانی در راه‌اندازی و اداره مجله «دنیا» همکاری کرد. دنیا یکی از نشریات مهم آن زمان است که به تحول فکری و علمی در ایران کمک فراوانی کرد. پس از ملحق شدن ایرج اسکندری به آن‌ها، اولین شماره مجله «دنیا» در بهمن ۱۳۱۲ منتشر شد. «دنیا» چند شماره بیشتر انتشار نیافت و در اردیبهشت ۱۳۱۶ از سوی اداره شهربانی و امنیتی توقیف شد و اعضای آن که بعدها به «۵۳ نفر» مشهور شدند با پرونده‌سازی و اتهام فعالیت کمونیستی و براندازی از سوی حکومت



سینمای جهان

هنر انتخاب بازیگر

رازهایی درباره ستاره‌های فیلم‌ها که روی پرده نمی‌بینید

جنیفر وندیته، مدیر انتخاب بازیگر فیلم «مارتی معظم»، توضیح داد که روش‌ها می‌تواند، متفاوت باشد: «برخی افراد در تهیه لیست و انجام قراردادهای عالی هستند و برخی دیگر مانند کار کارآگاهی، افراد را پیدا می‌کنند، آن‌ها را کنار هم می‌گذارند و ترکیبی ایجاد می‌کنند که شما هرگز تصور نمی‌کنید».

فیلم‌هایی که نامزد جایزه بازیگری هستند

«هم‌نت» داستان مرگ پسر شکسپیر را روایت می‌کند و شامل بازیگران حرفه‌ای بریتانیایی و ایرلندی است از جمله تعدادی کودک.



امسال، آکادمی علوم و هنرهای سینمای اسکار، شاخه جدیدی با عنوان بهترین انتخاب بازیگر اضافه کرده است. اما انتخاب خوب بازیگر دقیقاً چه معنایی دارد؟

دبرازین، یکی از سه عضو هیأت مدیره شاخه انتخاب بازیگر آکادمی اسکار، گفت: «هر کس وقتی سر برگه رأی خود می‌نشیند، دیدگاه متفاوتی خواهد داشت. برای من، انتخاب بازیگر درباره داستان‌گویی است، درباره اینکه همه اجزا با هم هماهنگ باشند».

رأی‌دهندگان اسکار، هنر را ارزیابی می‌کنند، بنابراین تا حدی به سلیقه شخصی خود تکیه می‌کنند. اما طی سال‌ها، مشخص شده که اعضای آکادمی چه چیزهایی را در هر دسته‌بندی ارزش می‌دهند. برای بازیگران، آکادمی تحول شخصیتی و احساسات بزرگ را دوست دارد. در طراحی لباس، لباس‌های مجلل با بازسازی‌های پیچیده تاریخی ترجیح داده می‌شوند تا انتخاب‌های ظریف شخصیت و البته، فیلمی که در یک شاخه انتخاب می‌شود، ممکن است همان فیلم برنده بهترین فیلم نباشد.

زین گفت: «یک فیلم ممکن است عالی باشد اما شما از بازیگران شگفت‌زده نشوید. اما شاید فیلمی باشد که به هر دلیلی برای بهترین فیلم نامزد نمی‌شود اما بازیگرانش بی‌نقص و خیره‌کننده هستند».

اغلب، کارگردانان اعتبار را می‌گیرند درحالی‌که باید به بخش انتخاب بازیگر تعلق داشته باشد، با این فکر که آن‌ها فقط با سلب‌ریتی‌ها تماس می‌گیرند. اما مدیران انتخاب بازیگری توضیح دادند که کارشان نیازمند مهارت‌های متنوعی است: مذاکره با ستارگان بزرگ، انتخاب بازیگران با پتانسیل تبدیل شدن به ستاره و حتی کستینگ خیابان و پیدا کردن افراد غیرحرفه‌ای، گاهی واقعی از خیابان.

زین افزود: «هر شخصی که در فیلمنامه دیالوگ دارد توسط انتخاب‌کننده بازیگر انتخاب می‌شود و گاهی شخصیت‌هایی که دیالوگ ندارند اما با یکی از نقش‌های اصلی تعامل دارند هم باید توسط انتخاب‌کننده تست شوند. زیرا باید کسی باشد که در صحنه عصبی نشود، بتواند چند بار بازی و دستورات را اجرا کند».



لطفاً بیایید دنبالم

صدای هند رجب؛ فریادی که دنیا را تکان داد

هند، وسام، داستان دخترش را بازگو کردم». بن‌هنیه سپس تمام ۷۰ دقیقه آرشپو صوتی اصلی صلیب سرخ را گوش داد و تصمیم گرفت، صدای هند را به شکل امواج صوتی دیجیتال نمایش دهد که تمام صفحه را پر می‌کنند. او گفت: «من قبلاً با فرم‌های مستند و داستانی آزمایش کرده‌ام و یاد گرفته‌ام، چگونه انتخاب‌های رادیکال داشته باشم. در این فیلم، صدای هند اما بن‌هنیه را به سمت شنوندگان هدایت کرد؛ «احساس می‌کردم هند با من صحبت می‌کند اما او با اپراتورهای صلیب‌سرخ صحبت می‌کرد بنابراین دیدگاه آنها برای من ارزشمند بود».

بن‌هنیه ساعت‌ها وقت گذاشت تا با امدادگران واقعی صلیب سرخ در تماس‌های ویدئویی آشنا شود. او فیلمنامه را نوشت و شروع به پیدا کردن بازیگرانی کرد که شخصیت‌شان با نمونه واقعی همخوانی داشته باشد. بازیگران از اینکه برای فیلمی درباره جنگ در غزه انتخاب شده‌اند، آگاه نبودند. او توضیح داد: «نمی‌خواستم جار بزنم، باید فرآیند محافظت می‌شد بنابراین از هر بازیگر خواستم یک بداهه‌سازی انجام دهد».

آمر هلهل در آزمون بازیگری توجه بن‌هنیه را جلب کرد اما ابتدا نقش رئیس ایستگاه صلیب سرخ، الجمل، را رد کرد. او گفت: «هنوز مردم در حال مردن هستند و زخم باز است و شما می‌خواهید فیلم بسازید؟» بن‌هنیه پاسخ داد: «قبل از تصمیم نهایی، فیلمنامه را بخوان».

فیلمنامه بن‌هنیه، گذر زمان دردناک امدادگران را نشان می‌دهد، درحالی که آنها منتظر مجوز عبور از منطقه تحت اشغال اسرائیل برای رسیدن به هند هستند. هنگام تماس دخترک با صلیب سرخ، تانک‌ها و صدای مسلسل شنیده می‌شوند. شدت صحنه بسیار بالاست. پس از خواندن فیلمنامه، هلهل تصمیم‌اش را تغییر داد و گفت: «باید این فیلم را بسازم».

بن‌هنیه گروه بازیگران و عوامل را در تونس گردهم آورد. پس از دوره تمرین، فیلمبردار خوان سارمیان‌تو با دوربین‌های دستی شروع به فیلمبرداری کرد و برای نخستین‌بار بازیگران، صدای واقعی هند را شنیدند. بن‌هنیه گفت: «آنها دیالوگ‌هایشان را می‌دانستند اما وقتی صدای هند رجب را شنیدند، زندگی‌شان تحت‌تأثیر احساسات قرار گرفت. نمی‌خواستم از تکنیک بازیگری استفاده کنند، چند برداشت نداشتم، می‌خواستم بازیگران حاضر باشند، مثل مستند».

بازآفرینی گرفتار شدن هند تأثیر شدیدی بر بازیگران داشت. مالتز بعد از یکی از مکالمات با «هند» آنقدر مضطرب شد که شروع به لرزیدن کرد و همکاری‌اش او را به مدت ۳۰ دقیقه آرام کردند. ساجا کیلانی که نقش حساس رانا را بازی می‌کرد، نزدیک پایان فیلمبرداری آنقدر بیمار شد که به سختی می‌توانست راه برود. بن‌هنیه در کنار بازسازی تماس اضطراری، یک اپیلوک نیز درباره سرنوشت دلخراش هند اضافه کرد. هنگام نخستین نمایش «صدای هند رجب» در جشنواره ونیز ۲۲ دقیقه تشویق شدیدی برای فیلم صورت گرفت. بن‌هنیه گفت: «واکنش مردم فوق‌العاده بود. وسواس من اکنون این است که مردم جهان صدای این دخترچه را بشنوند. صدای او در ذهن‌ها طنین خواهد انداخت».

کارگردان تونسسی، کوثر بن‌هنیه، از دریافت جایزه «بازرزش‌ترین فیلم» برای اثرش «صدای هند رجب» در مراسم «سینما برای صلح» که همزمان با جشنواره بین‌المللی فیلم برلین برگزار شد، خودداری کرد.

او جایزه را در سالن‌رها کرد تا اعتراض صریح خود را نسبت به حضور یک ژنرال اسرائیلی در همان مراسم نشان دهد. بن‌هنیه گفت درحالی که نسل‌کشی ادامه دارد، نمی‌توان جوایز اهدا کرد. او در سخنرانی خود پیش از مخاطبان، که شامل شخصیت‌های برجسته‌ای مانند هیلاری کلینتون و بازیگر کوین اسپسی بود، تأکید کرد که فیلم او به یک حادثه منفرد نمی‌پردازد.

او گفت: «صدای هند رجب» به‌جای آن، روشن می‌کند که یک سیستم کامل باعث مرگ دختر خردسال، هند رجب، شد. صلح نیازمند عدالت و پاسخگویی است نه شعارهای درخشان.

این مستند براساس ضبط‌های واقعی تماس‌های اضطراری انجام‌شده قبل از کشته شدن یک دختر ۵ ساله و چندین عضو خانواده‌اش تحت آتش اسرائیل ساخته شده است. فیلم که کاملاً حول ضبط‌های واقعی تماس‌های او با امدادگران ساخته شده از نمایش چهره او خودداری می‌کند تا تمرکز مخاطب روی صدای او باشد، صدایی که همچنان در ذهن بینندگان طنین‌انداز می‌شود.

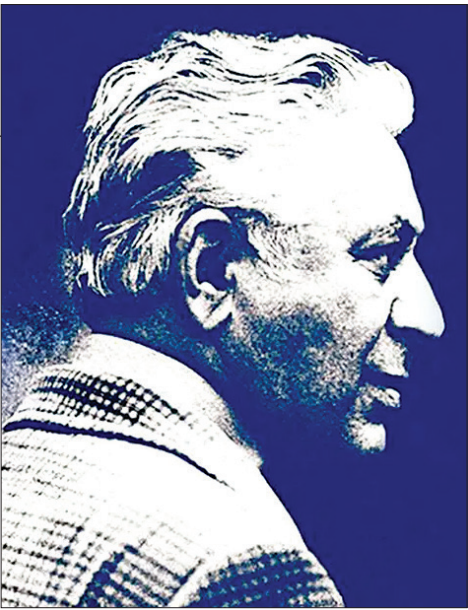
در فرش قرمز فیلم «صدای هند رجب» در جشنواره ونیز، بازیگران آمریکایی واکین فینیکس، رونی مارا، کارگردان تونسسی کوثر بن‌هنیه، بازیگر موزا مالهیس و کلارا خوری با پرتزه دختر فلسطینی مرحوم، هند رجب، عکس گرفتند. این فیلم که نامزد اسکار بهترین فیلم خارجی در مراسم اسکار سال ۲۰۲۶ است اکنون به نمادی از بحث درباره نقش سینما در مقابله با خشونت و بی‌عدالتی تبدیل شده است.

درباره صدای هند رجب

۱۶ هفته پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ نیروهای نظامی اسرائیل با شدتی وحشتناک به دخترچه‌ای که در یک خودرو با ۶ عضو خانواده کشته شده‌اش در شهر غزه گرفتار شده بود، حمله کردند. «لطفاً بیایید دنبالم»؛ این درخواست کودک ۶ ساله هند رجب بود که از طریق تلفن به داوطلبان مرکز تماس اضطراری صلیب سرخ فلسطین در رام‌الله، ۹۰ کیلومتر دورتر در کرانه باختری، گفته شد.

کوثر بن‌هنیه یادآوری می‌کند که وقتی برای تبلیغ یکی از فیلم‌هایش در لس‌آنجلس بود برای نخستین‌بار صدای هند را شنید که در فضای آنلاین منتشر شده بود. بن‌هنیه از نیویورک گفت: «این چیزی است که نمی‌توان آن را شنیده گرفت. وقتی صدای این دخترچه را شنیدم، احساس ناتوانی کردم. برای اینکه احساس ناتوانی نکنم، احساس کردم باید این فیلم را بسازم. همه چیز دیگر بی‌اهمیت به‌نظر می‌رسید».

برای ساخت فیلم «صدای هند رجب»، برنده جایزه هیأت داوران جشنواره ونیز و اکنون نامزد اسکار بهترین فیلم بین‌المللی، کارگردان نگارش فیلم بعدی خود را کنار گذاشت. او توضیح داد: «فیلم بعدی من درباره زیبایی هنر بود اما زمانش مناسب نبود. به‌جای آن، با اجازه مادر



در سال ۱۳۲۱ منتشر شد. این مجموعه پادداشت‌های بزرگ علوی است که او در زندان روی پاکت سیگار و بسته‌بندی قند و میوه می‌نوشت و به‌صورت مخفیانه به خارج از زندان می‌فرستاد. بزرگ علوی در این کتاب فضای زندان و نگرش زندانیان را نسبت به حکومت دیکتاتوری وقت به‌صورت داستانی روایت کرده است. علوی در سال ۱۳۲۳ کتاب «پنجاه و سه نفر» را نوشت که گزارشی است از زندگی و افکار این گروه مهم در ایام تحمل حبس. بزرگ علوی مجموعه داستان «نامه‌ها» را در سال ۱۳۲۷ و داستان «چشم‌هایش» را در سال ۱۳۳۰ منتشر کرد. این کتاب که آن را مهم‌ترین اثر بزرگ علوی می‌دانند در سال ۱۳۳۸ به زبان آلمانی ترجمه شد. علوی در آن سال‌ها مطالبی نیز برای نشریات حزب توده می‌نوشت و یکی از اعضای شورای سردبیری مجله «پیام نو» بود. «چشم‌هایش» را از اولین آثار داستانی فارسی می‌دانند که با محوریت زن نوشته شده است. پیرنگ داستان درباره روابط نقاش مشهوری به نام استاد ماکان است که از مبارزان علیه حکومت دیکتاتوری رضاشاه بوده و اکنون در تبعید به سر می‌برد. از او یک نقاشی از چشم‌های یک زن به جا مانده که به نظر می‌رسد رازی را در خود پنهان کرده است و راوی در طول رمان تلاش می‌کند از آن رمزگشایی کند.

بزرگ علوی فروردین ۱۳۳۲ برای مداوای بیماری به آلمان مسافرت کرد. چند ماه بعد، وقایع ۲۸ مرداد به وقوع پیوست و او که شاهد بازداشت و اعدام دوستان خود بود، مجبور شد در اروپا بماند. بزرگ علوی پس از انقلاب به ایران بازگشت اما شرایط را مهیا ندید و پس از مدتی دوباره به آلمان رفت. علوی در آلمان شرقی به تدریس و پژوهش درباره ادبیات فارسی در دانشگاه هومبولت پرداخت. او در طول این سال‌ها مجموعه داستان «میرزا» را منتشر کرد که متشکل از پنج داستان کوتاه است و رمان «موریانه» او سال ۱۳۷۲ منتشر شد.

گروه عالی شامل بازیگران تازه‌کار هم هست». او به مایلز کانون اشاره کرد که نوازنده بود و هنگام تور با ا.ج.ای.آر فرصت تست بازیگری پیدا کرد. کاساندرا کولاکونیدیس، مدیر انتخاب بازیگر «نبرد پشت نبرد دیگر» به شوخی گفت: «احساس می‌کنم، اسم بازیگران بیشتری می‌دانم تا اسم آدم‌های زندگی خودم». او سال‌ها با پل توماس اندرسون، کارگردان سرشناس همکاری کرده است.

او گفت: «تمام هدف من این است که این دنیا وجود داشته باشد. اگر فرد مشهوری است، نباید حس کنید که این همان فرد مشهور است. باید حس کنید یک فرد عادی است که مثل شما زندگی می‌کند». او همچنین در نظر دارد، فیلم با تماشای دوباره رشد کند: «شاید ابتدا متوجه بازیگر نشوید اما دفعه بعد فکر کنید: «وای، چقدر خوب بود». ترکیب بازیگران حرفه‌ای با تازه‌کاران غیرحرفه‌ای، تخصص‌وندیتی است که پیش از این در کمپین‌های مُد کار می‌کرد و بعداً به مستندها و درام‌ها رسید. گابریل دومینگر که روی فیلم «مأمور مخفی» کار می‌کرد، گفت پیدا کردن «چهره‌های با بیان» کلید کار اوست. او برای انتخاب بازیگران از منطقه شمال شرقی برزیل فراخوان باز گذاشت. در مقابل، نینا گلد، مدیر انتخاب بازیگر باسابقه بریتانیایی که روی فیلم «هم‌نت» کار کرد، بیشتر بر ایجاد یک خانواده ارگانیک برای آگریس و ویلیام شکسپیر تمرکز داشت.

پس از آنکه آکادمی فهرستی از ۱۰ نامزد احتمالی ارائه داد، مدیران انتخاب بازیگر در یک رقابت شرکت کردند و کار خود را به سایر اعضای شاخه توضیح دادند. این ارائه‌ها شامل پرسش و پاسخ‌های از پیش ضبط شده و کلیپ‌های ۵ دقیقه‌ای از صحنه‌ها بود. برنارد تلبسی، مدیر انتخاب بازیگر «شروز» برای همیشه»، گفت: «امیدوارم این رقابت باعث شود، مردم بفهمند این فرآیند وجود دارد و همه چیز فقط اتفاقی نبوده که همه بازیگران روی صفحه ظاهر شده‌اند». تلبسی تأکید کرد که جایزه انتخاب بازیگر برای بهترین گروه بازیگران نیست بلکه برای افرادی است که واقعاً کار انتخاب بازیگران را انجام داده‌اند. او افزود: «این درباره بازیگران نیست. ما شاخه‌های بازیگری داریم». انتخاب‌کنندگان بازیگر نه‌تنها فرد مناسب برای نقش اصلی را پیدا می‌کنند بلکه مسئول تقریباً تمام چهره‌هایی هستند که روی پرده و یا صفحه نمایش می‌بینیم بنابراین کل محیط انسانی فیلم را خلق می‌کنند. به همین دلیل، جایزه انتخاب بازیگر شاید شبیه جایزه طراحی تولید باشد: درست همانطور که صحنه‌ها باید واقعی باشند، بازیگران هم باید واقعی به نظر برسند. وندیتی، مدیرانتخاب بازیگران مارتی معظم گفت: «احساس می‌کنم بعضی از ویژگی‌های یک مدیر انتخاب بازیگر خوب را واقعاً نمی‌توان آموزش داد. این یک حس شهودی شگفت‌انگیز و شناختی است».

بازداشت شدند.

۱۱ آبان ۱۳۱۷ محاکمه ۵۳ نفر آغاز شد و ارانی در دادگاه شجاعانه به دفاع از خود و همفکرانش پرداخت و دفاعیه‌ای چند ساعته ایراد کرد. بزرگ علوی در کتاب «۵۳ نفر» دربارهٔ ایستادگی و نطق دفاعیه ارانی می‌نویسد: «شاهکار محکمه ۵۳ نفر نطق دکتر ارانی بود. دکتر شش ساعت‌ونیم صحبت کرد. دوست و دشمن را بهت فرا گرفته بود. آژان‌ها و صاحب‌منصبان شهربانی با دهن باز به او نگاه می‌کردند. متهمین می‌خندیدند، قضات می‌ترسیدند و دل‌های همه‌شان می‌تپید... هنگامی که نطق دکتر ارانی با این جمله که «اول این‌ها و بعد مرا تبرئه کنید» تمام شد، ما نفس تازه‌ای کشیدیم. رئیس محکمه ختم جلسه را اعلام داشت و ۵۳ نفر که در آن جلسه حضور داشتند، دور دکتر ریختند و مانند مریدهای از جان گذشته‌ای که حاضر به همه گونه فداکاری هستند، دور مراد خود را گرفتند... این منظره وکلای مدافع را که تا آن زمان (بنا بر انتشارات شهربانی) تصور می‌کردند که افراد ۵۳ نفر دکتر ارانی را دوست ندارند، به علت این که مسبب بدبختی و گرفتاری خود می‌دانند، مهیوت کرده بود.» پس از پایان محاکمه، اعضای این گروه به تحمل زندان‌های طولانی به مدت ۳ تا ۱۰ سال محکوم شدند. بزرگ علوی نیز به ۷ سال زندان محکوم شد اما در سال ۱۳۲۰ پس از کنار رفتن رضاشاه از قدرت از زندان آزاد شد.

عبدالصمد کامبخش که بعدها مشخص شد، نقش مهمی در لو دادن اعضای ۵۳ نفر داشته در گزارش سری خود به بین‌الملل کمونیست دربارهٔ ویژگی‌های ۵۳ نفر دربارهٔ بزرگ علوی نوشته بود: «تهرانی و از خانواده نسبتاً مرفهی است. برادر مرتضی علوی است که يك زمان حوزهٔ جوانان محصل در آلمان را رهبری می‌کرد. او دورهٔ متوسطه را در آلمان دید. زبان آلمانی را به‌خوبی می‌داند، انگلیسی، کمی هم فرانسه و روسی می‌داند. او در مدرسهٔ فنی‌ای که آلمانیان تأسیس کرده بودند، زبان آلمانی را تدریس می‌کرد. نامزد عضویت در حزب بود. معقول و باسواد است و آشنایی خوبی با اساس مارکسیسم دارد. خوب می‌نویسد. شهرت‌پرست است. مایل است خود را با استقامت نشان دهد ولی ملزومات لازم برای آن را ندارد. کمی ترسو است. بعدها، زیاده پرحرفی کرد. زمان اعصاب غذا از خود گرایش‌های توافق‌گرانه نشان داد. از شمار «کمونیست‌های لهستانی» بود. او می‌تواند به فعالیت تبلیغاتی و ادبی استفادهٔ زیادی برساند.»

آثار آقا بزرگ

بزرگ علوی قبل از دورهٔ زندان، مجموعه داستان «چمدان» را که مشتمل بر ۶ داستان کوتاه است، منتشر کرد. سال‌های بازداشت و زندان تجربهٔ ارزشمندی برای علوی بود و زمینهٔ نگارش آثاری شاخصی را برای او مهیا کرد. مجموعه داستان «ورق‌پاره‌های زندان» از جمله این آثار است که

«مارتی معظم» درباره تیتس روی میز در دهه ۱۹۵۰ است و علاوه بر تیموتی شالامه، شامل داور «شارک تن» و فردی که قبلاً به‌عنوان یک هوادار مشهور تیم نیکز شناخته می‌شد، می‌شود.

«نبرد پشت نبرد دیگر» درباره انقلابیون در فرار است و علاوه بر لئوناردو دی‌کاپریو، شامل ستاره نوظهور جیس اینفینیتی و یک استاد ییل، پاول گرمستاد، می‌شود.

«گناهکاران» داستان خون‌آشامی در دوران جیم کرو است و بازیگران باتجربه مانند دلروی لیندو و تازه‌کارانی مانند مایلز کانون را شامل می‌شود. «مأمور مخفی» تنها نامزد بین‌المللی است و بازیگرانی از برزیل را برای داستان استاد سابقی که در دهه ۱۹۷۰ دوران دیکتاتوری نظامی مخفی شده است به نمایش می‌گذارد. بیشتر مدیران انتخاب بازیگر که با آنها صحبت شد، گفتند بهترین کارشان شبیه چیدن یک پازل است؛ همه بازیگران باید به‌طور طبیعی با هم هماهنگ باشند تا دیدگاه کارگردان تحقق یابد.

زین گفت: «وقتی به انتخاب بازیگر توجه نمی‌کنید، یعنی انتخاب خوب بوده است». فرانسیس مایسلر، نامزد برای فیلم گناهکاران معتقد است، بهترین انتخاب بازیگر فقط درباره تعداد ستاره‌ها نیست: «یک



بازار سهام

عملیات فروش

چرا نیروهای فروش بر نیروهای خرید غلبه کردند؟

نسرین خدادادی
گروه اقتصاد

معاملات دیروز بورس تهران تحت فشار فروش سنگین به پایان رسید و شاخص کل با کاهش محسوس ۴۰ هزار و ۷۷۲ واحدی (معادل ۱.۰۶درصد) به سطح ۳ میلیون و ۸۰۶ هزار و ۷۶۷ واحد رسید. تلاش‌های ابتدایی هفته برای بازگشت به مسیر صعودی ناکام ماند و تمایل معامله‌گران به شناسایی سود بر روند نزولی بازار غلبه کرد. این عقب‌نشینی شاخص کل از سطوح مقاومتی اخیر، فضای احتیاط و بی‌اعتمادی را در میان فعالان بازار تقویت کرده است.

شاخص کل هم‌روز نیز با کاهش ۳ هزار و ۲۵۰ واحدی (معادل ۰.۳۳درصد) به ۹۸۰ هزار و ۹۸۳ واحد رسید. افت کمتر هم‌روز نسبت به شاخص کل نشان می‌دهد، فشار فروش بیشتر در نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز متمرکز بوده و نمادهای کوچک و متوسط عملکرد نسبتاً متعادلی داشته‌اند. با این حال، منفی بودن هر دو نماگر اصلی بازار بیانگر ادامه فضای احتیاط در معاملات است.

یکی از نکات مهم دیروز، خروج ۱ هزار و ۴۳ میلیارد تومان پول حقیقی از سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی بود. سرانه خرید حدود ۴۲.۱ میلیون تومان و سرانه فروش ۶۰.۵ میلیون تومان ثبت شد که حاکی از برتری محسوس فروشنندگان است. تداوم این روند می‌تواند، فشار فروش در روزهای آینده را تشدید کند.

حجم معاملات به ۳۳.۹ میلیارد برگه سهم و ارزش معاملات به حدود ۷ هزار و ۶۷۰ میلیارد تومان رسید که نسبت به میانگین هفته‌های گذشته کاهش دارد. در جریان معاملات دیروز ۳۷۰ نماد در محدوده مثبت و ۴۴۸ نماد در محدوده منفی معامله شدند، درحالی که تعداد صف‌های خرید به ۷۰ نماد و صف‌های فروش به ۱۱۷ نماد رسید؛ این تفاوت، برتری عرضه در بازار را نشان می‌دهد.

با وجود فشار فروش، صندوق‌های درآمد ثابت شاهد ورود ۶۷۲ میلیارد تومان نقدینگی بودند. این اتفاق نشان می‌دهد که بخشی از سرمایه‌گذاران برای کاهش ریسک و محافظت از سرمایه خود، منابع خود را به ابزارهای کم‌ریسک منتقل کرده‌اند، هرچند با توجه به روند چند ماهه خروج پول از این صندوق‌ها، این میزان ورود نقدینگی عدد چندان بزرگی محسوب نمی‌شود.

با توجه به روند معاملات اخیر بورس تهران و داده‌های کلیدی، چشم‌انداز کوتاه‌مدت بازار سهام ایران همچنان با ابهام و فشار مواجه است. کاهش محسوس شاخص کل و خروج نقدینگی حقیقی، به‌ویژه از نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز، نشان می‌دهد که تمایل معامله‌گران به شناسایی سود و کاهش ریسک بالاست. این وضعیت، همراه با افزایش هزینه‌های زندگی، محدودیت‌های نقدینگی و بی‌اعتمادی عمومی، احتمال ادامه روند نزولی در کوتاه‌مدت را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، حجم معاملات و ارزش معاملات پایین‌تر از میانگین هفته‌های گذشته، حاکی از احتیاط شدید فعالان بازار است و ورود نقدینگی محدود به صندوق‌های درآمد ثابت نیز نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران به‌دنبال امنیت بیشتر هستند تا بازدهی بالا. اگر فشار فروش ادامه یابد، شاخص کل ممکن است بار دیگر از سطوح مقاومتی عقب‌نشینی کند و ایجاد سطوح حمایتی جدید برای جلوگیری از افت بیشتر ضروری خواهد بود. در بلندمدت، تغییرات اقتصادی، سیاست‌های پولی و نرخ ارز همچنین رفتار سرمایه‌گذاران نهادی می‌تواند مسیر بازار را شکل دهد؛ با این حال بدون بازگرداندن اعتماد و ورود نقدینگی تازه، رشد پایدار شاخص‌ها دشوار خواهد بود و احتمالاً نوسانات کوتاه‌مدت همچنان بخشی از واقعیت بازار سهام ایران باقی می‌ماند. با توجه به شرایط اقتصادی و رفتار اخیر سرمایه‌گذاران، چشم‌انداز بازار ارز در ایران هم با نوسانات و فشارهای متنوعی روبه‌روست. نرخ دلار و سایر ارزهای عمده در کوتاه‌مدت همچنان تحت‌تاثیر چند عامل کلیدی قرار دارد: نرخ تورم بالای داخلی، فشارهای مالی دولت، کسری بودجه، تغییرات سیاست‌های ارزی و انتظارات معامله‌گران از آینده رخ ارز. به دلیل کمبود عرضه و تمایل به حفظ ارزش دارایی‌ها، تقاضای بازار برای ارز بالاست و همین باعث می‌شود هر خبر اقتصادی یا سیاسی کوچک، نوسان قابل‌توجهی در نرخ‌ها ایجاد کند. از سوی دیگر، کنترل‌های ارزی و سیاست‌های بانک مرکزی مانند محدودیت واردات، قیمت‌گذاری دستوری و نرخ‌های رسمی فروش ارز به صورت موقت نرخ‌ها را تعدیل می‌کند اما فشار تقاضا در بازار آزاد و معاملات غیررسمی می‌تواند اختلاف قیمت قابل‌توجهی ایجاد کند. در بلندمدت، ادامه تورم و کسری بودجه همراه با کاهش اعتماد به سیاست‌های اقتصادی، احتمال افزایش نرخ ارز را تقویت می‌کند و هرگونه تلاش برای تثبیت نرخ بدون اصلاح ساختاری احتمالاً کوتاه‌مدت و ناکافی خواهد بود.

توسعه

آرزو فروشی

آیا عربستان به همه رویاهایش دست می‌یابد؟

مهتا معرفت
متروحم

عربستان سعودی در میانه اجرای چشم‌انداز ۲۰۳۰ با واقعیتی روبه‌رو شده است که هیچ بیلورد یا آسمان‌خراش مکعبی نمی‌تواند آن را پنهان کند: پروژه‌های عظیم و جاه‌طلبانه‌ای که قرار بود، اقتصاد نفتی را متنوع کنند اکنون متوقف، هزینه‌های زندگی سر به فلک کشیده و شکاف درآمدی میان شهروندان و مهاجران عمیق‌تر از همیشه است.

بیلوردها در بزرگراه بین فرودگاه تا پایتخت عربستان سعودی صف کشیده‌اند. آنها نوید یک «مرکز شهر مدرن جدید» را برای ریاض می‌دهند که تحت سلطه یک آسمان‌خراش مکعبی شکل قرار می‌گیرد که طبق برنامه، حجیم‌ترین ساختمان جهان خواهد بود. با وجود هشدارهایی مبنی بر اینکه این مکعب معروف به موکب زیر وزن خود فرو خواهد ریخت، باز هم توسعه‌دهندگان به کار خود ادامه می‌دهند. این «پروژه عظیم» بخش اصلی چشم‌انداز ۲۰۳۰ یا همان طرح پادشاهی سعودی است که در سال ۲۰۱۶ برای تنوع‌بخشی به اقتصاد نفتی کشور معرفی شد.

اما با توجه به قیمت‌های بسیار پایین

نفت، عربستان سعودی دیگر نمی‌تواند از عهده چنین ماجراجویی‌هایی برآید. قوانین جاذبه، چه از نظر فیزیکی و چه از نظر مالی، پیروز شدند. ماه گذشته، این پادشاهی کار بر روی «موکب» را متوقف کرد. ساخت‌وساز در «خط» (The Line) نیز تا حد زیادی متوقف شده که یک «شهر خطی» خیالی بیش از ۵۰۰ میلیارددلاری در بیابان است. بازی‌های زمستانی آسیایی ۲۰۲۹ اخیراً به قزاقستان منتقل شده‌اند زیرا پیست اسکی که در شمال غربی کوهستانی عربستان سعودی در حال ساخت است به‌موقع آماده نخواهد شد. مقامات اکنون وعده تمرکز بیشتر بر چند بخش اقتصاد، به‌ویژه گردشگری، تولید و تدارکات را می‌دهند. این تغییری خوشایند برای دوری از طرح‌های علمی-تخیلی است که مقادیر عظیمی از سرمایه را می‌بلعند.

ابرپروژه‌ها تنها حوزه‌ای نیستند که چشم‌انداز ۲۰۳۰ را با موانع روبه‌رو کرده‌اند. این طرح قرار است، سعودی‌ها را از مشاغل دولتی دور کرده و به بخش خصوصی سوق دهد که اغلب به‌معنای سوق دادن آنها به سمت مشاغل کم‌درآمدی است که زمانی از سوی مهاجران پر می‌شد. محمد بن‌سلمان ولیعهد و حاکم بالفعل عربستان مشتاقی است که ریاض رشد کند. این امر مسکن و خدمات را در پایتخت تحت فشار قرار داده است. او همچنین می‌خواهد، مهاجران ماهر

دیدگاه:تحلیل اقتصادی

نگ کار

کار چگونه از صرفه اقتصادی افتاد؟

سعید مشهوری
گروه اقتصاد

با وجود نرخ دلار در حدود ۱۶۰ هزار تومان و افزایش بی‌وقفه هزینه‌های زندگی، انگیزه ایرانیان برای کار کردن کاهش یافته است؛ دستمزدهای ریالی با هزینه‌های واقعی فاصله‌ای فاحش دارند و بسیاری از جمعیت فعال حتی به‌دنبال یافتن شغل هم نیستند.

داده‌های اقتصادی و بازار کار ایران نشان می‌دهد که در شرایط فعلی، کار کردن برای بسیاری از ایرانیان به‌صرفه نیست و انگیزه اشتغال کاهش یافته است. یکی از عوامل اصلی این وضعیت، نرخ بالای دلار و افزایش شدید هزینه‌های زندگی است. با وجود نرخ دلار حدود ۱۶۰ هزار تومان در بازار آزاد، قدرت خرید دستمزدهای داخلی به‌شدت کاهش یافته و حقوق و درآمد فعلی افراد نمی‌تواند حتی

بررسی تحولات اقتصادی

مدت‌زمان بیشتری کار کنند. سن بازنشستگی برای کارگران جوان از ۵۸ به ۶۵ سال افزایش یافته است.

قیمت‌های بالاتر فشار ویژه‌ای را بر سعودی‌هایی وارد می‌کند که در جست‌وجوی شغل به ریاض نقل‌مکان کرده‌اند. تا پیش از چشم‌انداز ۲۰۳۰ جده به لطف نقشش به‌عنوان قطب تجاری و نقطه ورود زائران به مکه، پایتخت تجاری پادشاهی سعودی قلمداد می‌شد. استان شرقی در منطقه نفتی عربستان سعودی نیز پرچنب‌وجوش بود. در مقابل، ریاض یک مرکز کم‌تحرک برای استقرار دولت و چند شرکت بزرگ ملی بود. اما دیگر این‌طور نیست: ولیعهد میلیاردها دلار را به پایتخت سرازیر و در همه‌چیز، از پارک‌ها و دانشگاه‌ها گرفته تا یک منطقه مالی و یک فرودگاه در سطح جهانی، سرمایه‌گذاری می‌کند. ریاض مکان مناسبی برای جوانان سعودی جویای شغل به‌شمار می‌رود.

هجوم شهروندان سعودی و مهاجران قیمت خانه‌ها را به اوج رساند. اجاره‌بها در پایتخت از سال ۲۰۲۰ بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته است. سال گذشته شاهزاده محمد، دستور توقف ۵ ساله اجاره‌بها در پایتخت را اعمال کرد که تاییدی بر فشار فزاینده بر بودجه خانوارها تلقی می‌شود. شاید به‌دلیل افزایش شدید هزینه‌های مسکن باشد که بسیاری از خانواده‌های سعودی دیگر اجاره‌نشین نیستند. حدود دوسوم آنها اکنون صاحب خانه هستند (یکی دیگر از اهداف چشم‌انداز ۲۰۳۰ افزایش نرخ مالکیت به ۷۰درصد است). اما خرید در ریاض نیز ارزان نیست. به گفته شرکت مشاوره‌ای نایت فرانک، قیمت آپارتمان‌ها از سال ۲۰۲۰ دو برابر شده و به بیش از ۶ هزار ریال در هر مترمربع رسیده است. در همین حال، قیمت‌ها در جده و شرق عربستان تغییر نکرده‌اند.

دولت برای دهه‌ها بزرگ‌ترین کارفرمای سعودی‌ها بود. شغل دولتی به‌عنوان یک حق

مادرزادی تلقی می‌شد. کارمندان دولت ثروتمند نبودند و حقوق و مزایای آنها همراه با قیمت نفت نوسان داشت. اما آنها زندگی مناسب و آبرومندانه‌ای داشتند. به‌غیر از دیپلمات‌ها و کارگران شرکت‌های نفتی که در مجتمع‌های دورافتاده زندگی می‌کردند، مهاجران ساکن عربستان عمدتاً کارگران کم‌درآمد از آفریقا و آسیا بودند. امروزه قرارداد اجتماعی کاملاً متفاوت به نظر می‌رسد. جوانان برای مشاغل خدماتی کم‌درآمد در بخش خصوصی به ریاض نقل‌مکان می‌کنند سپس نظاره‌گر قراردادهای بی‌درسر مهاجران هستند.

جوانان از مشاغل خدماتی ناپایدار و خسته‌کننده که درآمد بسیار کمی دارند ناامید شده‌اند و نمی‌توانند به تشکیل خانواده فکر کنند. پایتخت در حال رونق اما در عین حال غیرقابل‌تحمل و بسیار پرهزینه است. در مقابل شهرهای درجه دو احساس رکود می‌کنند. نابرابری درآمدی به یک مشکل روبه رشد برای حاکمان پادشاهی سعودی تبدیل شده است. شاید چنین شکایاتی برای عربستان سعودی جدید باشد، اما مردم سایر کشورهای گروه ۲۰ کاملاً با آن آشنا هستند. این پیامدی عجیب از چشم‌انداز ۲۰۳۰ است: طرحی که در تلاش برای تنوع بخشیدن به اقتصاد عربستان سعودی، انواع معضلاتی را پدید آورد که در همه جای جهان ثروتمند وجود دارند.

--

و سایر نیازهای پایه، فاصله قابل‌توجهی ایجاد شده است. برای نمونه، متوسط درآمد ماهانه بسیاری از کارکنان در بخش خصوصی کمتر از ۱۵ میلیون تومان است که در برابر تورم و افزایش قیمت کالاهای اساسی به سختی توان تأمین هزینه‌های زندگی را دارد. این موضوع باعث شده حتی کسانی که شاغل هستند، تمایل داشته باشند ساعات کاری خود را کاهش دهند یا به‌دنبال راهکارهای جایگزین درآمدی باشند. علاوه بر این، کاهش اعتماد به آینده اقتصادی و بی‌ثباتی بازارهای داخلی، فشار روانی مضاعفی بر نیروی کار وارد کرده است. بسیاری از افراد ترجیح می‌دهند به جای جست‌وجوی شغل رسمی و دریافت حقوق محدود، به فعالیت‌های آزاد، سرمایه‌گذاری شخصی یا کار در بازار غیررسمی روی بیاورند، جایی که دستمزدها ممکن است بهتر یا نرخ دلار و هزینه‌های واقعی تطبیق داشته باشند. در مجموع، ترکیبی از تورم بالا، دستمزدهای پایین، کمبود فرصت شغلی و افزایش هزینه‌های زندگی، انگیزه افراد برای مشارکت فعال در بازار کار را کاهش داده است. اقتصاد ایران در شرایطی قرار دارد که نیروی کار، حتی با تحصیلات بالا، ترجیح می‌دهد به‌جای پذیرش شغل‌های کم‌درآمد و پرزحمت به‌دنبال راهکارهای جایگزین یا حتی کناره‌گیری موقت از بازار کار باشد. این روند، اگر ادامه یابد، می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای رشد اقتصادی، تولید و توسعه پایدار کشور داشته باشد.



عدالت یا عبرت؟

اظهارات دیروز اصغر جهانگیر نشان داد که پرونده محمد ساعدی‌نیا در برزخی میان «رافت اسلامی» (که در نامه پشیمانی جست‌وجو می‌شد) و «سخت‌گیری قانونی» (که بر آثار جرم تأکید دارد) گرفتار شده است. اگر دستگاه قضایی بخواهد براساس منطق «ماندگاری آثار عمل» پیش برود احتمالاً شاهد فرآیندی طولانی خواهیم بود که در آن هرگونه خسارت عمومی در بازه زمانی اعتراضات، ممکن است به شکلی به این پرونده الصاق شود.

باید پرسید که آیا هدف از ادامه رسیدگی به پرونده ساعدی‌نیا پس از ابراز پشیمانی وی، اجرای عدالت است یا ایجاد یک الگوی «عبرت‌ساز» برای سایر فعالان اقتصادی؟ آنچه از اظهارات او استنباط می‌شود، این است که قوه قضائیه قصد ندارد به‌سادگی از کنار هزینه‌های مادی و سیاسی اعتراضات بگذرد و عذرخواهی متهمان را تنها به‌عنوان یک «وصله» در پرونده می‌بیند، نه یک «نقطه پایان». درحالی که جامعه و فضای کسب‌وکار تشنه بازگشت به آرامش و ثبات قانونی است، اصرار بر تفاسیری که مالکیت خصوصی را لرزان می‌کند، می‌تواند پیامدهای ناگواری برای امنیت سرمایه‌گذاری در کشور داشته باشد.

گزارش ویژه

بسته ویژه مکالمه و اینترنت در طرح رمضان بی‌نهایت همراه اول



همراه اول از ارائه بسته مکالمه و اینترنت ویژه ۷ روزه به مشترکان خود به مناسبت فرارسیدن ماه مبارک رمضان خبر داد.

به گزارش مرکز ارتباطات، توسعه برند و رویدادهای بین‌المللی همراه اول، به مناسبت فرارسیدن ماه مبارک رمضان، مشترکان دائمی و اعتباری همراه اول می‌توانند از ۳۰ بهمن تا ۲۹ اسفند ۱۴۰۴ بسته مکالمه و اینترنت ۷ روزه را به مبلغ ۱۹ هزار و ۹۰۰ تومان فعال کنند.

مشترکان این اپراتور با خرید این بسته می‌توانند از ساعت ۱۸ تا ۲۴ از مکالمه نامحدود درون شبکه (همراه اول و تلفن ثابت) و از ساعت ۱۲ شب تا ۶ صبح از اینترنت نامحدود (با اعمال سیاست مصرف منصفانه پس از ۲۰ گیگابایت مصرف) استفاده کنند. فعال‌سازی این بسته‌ها از طریق کد «ستاره ۱۰۰ ستاره ۶۷۲ مربع» و یا اپلیکیشن «همراه من» امکان‌پذیر است و مشترکان پس از دریافت پیامک فعال‌سازی، امکان استفاده از این بسته ویژه را خواهند داشت.

این بسته‌ها رزرو یا تمدید خودکار ندارند؛ اما فعال‌سازی مجدد پس از اتمام بسته، امکان‌پذیر است.

@saazandeginews
saazandeginews
www.saazandegi.ir

سازندگی

نقش داشته‌اند، آن هم صرفاً در چارچوب قانون، می‌توانند موضوع مسئولیت مدنی قرار گیرند».

مسئولیت شخصی یا مسئولیت جمعی؟

حقوقدانان معتقدند که مسئولیت حقوقی، امری شخصی است و نمی‌توان هزینه تخریب‌های احتمالی توسط افراد ناشناس را به پای یک فعال اقتصادی نوشت که صرفاً از حق اعتراض حمایت کرده است. نقره‌کار در این باره می‌گوید: «صرف آنکه شهروندی از حق اعتراض سایر شهروندان حمایت یا با آن همراهی کرده باشد، مطلقاً هیچ مبنای حقوقی برای نقض حقوق مالی یا تحمیل مسئولیت مدنی بر او فراهم نمی‌کند». او هشدار می‌دهد که استفاده اِبرزاری از اختیارات قضایی برای تحت‌فشار قرار دادن کسب‌وکارها، نه‌تنها امنیت حقوقی جامعه را تهدید می‌کند بلکه باعث ریزش اعتماد عمومی به «حکومت قانون» می‌شود. به باور این حقوقدان، نهادهای قضایی موظفند از هرگونه تفسیر موسع که منجر به تضییع حقوق اساسی ملت شود، پرهیز کنند؛ چراکه در غیر این صورت، قانون که باید پناهگاه شهروندان باشد به ابزاری برای سلب مالکیت تبدیل خواهد شد.

لبنیات و بحران سلامت؛ هشدار وزارت بهداشت

در این میان، وضعیت محصولات لبنی نگران‌کننده‌تر است. قیمت پنبیره‌های سنتی به سطحی رسیده که حتی تصور خرید آن برای بسیاری ناممکن است؛ پنبیر لبقوان گوسفندی ۶۰۰ گرمی با قیمت نزدیک به ۲ میلیون تومان، بیشتر به یک کالای موزه‌ای شبیه است تا یک قلم غذایی. وزارت بهداشت رسماً هشدار داده است قیمت محصولات لبنی طوری است که میزان مصرف به‌شدت کاهش یافته و مبالغ کالابرگ فعلی به هیچ وجه کفاف مصرف استاندارد روزانه را نمی‌دهد. حذف لبنیات از سفره رمضان، یعنی واگذاری سلامت نسل آینده به دست تورم؛ زخمی که اثرات آن سال‌ها بعد در سیستم درمانی کشور خود را نشان خواهد داد.

شیرینی تلخ؛ زولبیا در کام طبقه متوسط

حتی شیرینی‌های سنتی این ماه هم دیگر کام کسی را شیرین نمی‌کند. رئیس اتحادیه قنادان، قیمت زولبیا و بامیه را تا ۴۹۵ هزار تومان اعلام کرده و علت این گرانی را افزایش ۴ برابری قیمت روغن در دو ماه اخیر می‌داند. وقتی مواد اولیه با چنین شتابی گران می‌شوند، نظارت‌های بازرسی تنها می‌توانند از گران‌فروشی مضاعف جلوگیری کنند اما نمی‌توانند، جلوی حذف این شیرینی از سبد خرید مردم را بگیرند. رمضان درحالی آغاز می‌شود که شکاف میان «قیمت‌های مصوب» و «توان خرید مردم» به عمیق‌ترین حد خود رسیده است.

ضرورت سیاست‌های حمایتی فوری

کارشناسان اقتصادی هشدار می‌دهند که ادامه این روند، امنیت غذایی کشور را به‌طور جدی تهدید می‌کند. رمضان امسال برای بسیاری از ایرانیان، نه ماه ضایعات، که ماه ریاضت اجباری است. دولت باید بداند که با شعار و آمارسازی نمی‌توان شکم‌های گرسنه را سیر کرد. در نبود اقدام عاجل برای کنترل قیمت‌ها و افزایش واقعی مبالغ کالابرگ برای دهک‌های پایین، وعده «افطار همگانی» تنها روی کاغذ معنا خواهد داشت. واقعیت زندگی خانوارهای ایرانی بسیار تلخ‌تر از تبلیغات رسانه‌ای است؛ واقعیتی که در آن حتی برای باز کردن روزه با یک نان و پنیر و آش ساده باید نگران فردای خالی از بودجه بود. امشب در بسیاری از خانه‌ها، بیش از آنکه دعای سحر طنین‌انداز شود، صدای شکستن استخوان‌های طبقه متوسط زیر بار تورمی شنیده می‌شود که گویی هیچ پایانی برای آن متصور نیست.

عذرخواهی کافی نیست!

سخنگوی قوه قضائیه می‌گوید:

عذرخواهی ساعدی‌نیا دلیل مختومه شدن پرونده نیست

به ادعای نهادهای قضایی، منجر به ایجاد خسارات مادی و معنوی در سطح جامعه شده است.

مالکیت خصوصی در مسلخ جبران خسارات عمومی

اما آنچه پرونده ساعدی‌نیا را از یک رسیدگی کیفری ساده فراتر می‌برد، زمزمه‌هایی است که درباره احتمال «مصادره اموال» او به گوش می‌رسد. همزمان با اعتراضات، برخی رسانه‌های نزدیک به حاکمیت و گزارش‌های صداوسیما، با برجسته کردن حجم خسارات وارده به اموال عمومی در جریان اعتراضات، این ایده را مطرح کرده‌اند که دارایی چهره‌های شاخص و کارآفرینانی که با اعتراضات همراهی کرده‌اند باید به‌عنوان منبعی برای جبران این خسارات مورد استفاده قرار گیرد. در این میان، حقوقدانان نسبت به بدعت‌های احتمالی در تفسیر قانون هشدار می‌دهند. صالح نقره‌کار، وکیل و حقوق‌دان، در تحلیل این رویکرد به «سازندگی» می‌گوید که هرگونه تعرض به مالکیت خصوصی تحت عنوان جبران خسارات کلی، نقض فاحش اصل «قانونی بودن جرم و مجازات» است. به گفته او، طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، هیچ رفتاری جرم نیست مگر آنکه در قانون تعریف شده باشد و هیچ مجازاتی (ازجمله مصادره اموال) نباید خارج از چارچوب‌های دقیق قانونی اعمال شود. نقره‌کار تأکید می‌کند: «احترام به مالکیت خصوصی و کرامت انسانی، تکلیفی غیرقابل تخفیف برای حاکمیت است. تنها افرادی که به‌صورت مستقیم و مستند در اعمال خشونت‌آمیز یا تخریب

گروه اجتماعی: دیروز اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه درباره آخرین وضعیت محمد ساعدی‌نیا، مالک برند شناخته‌شده «شکلات و کافه ساعدی‌نیا» با لحنی قاطع اعلام کرد که عذرخواهی و اِبرزاز ندامت متهم، لزوماً به‌معنای پایان پیگرد قضایی نیست. او تأکید کرد: «هنوز نمی‌توان درباره نتیجه نهایی پرونده ساعدی‌نیا اظهارنظر کرد و همه چیز منوط به بررسی دقیق ادله توسط دادگاه و قضات مربوطه است. صرف عذرخواهی باعث مختومه شدن پرونده نمی‌شود». این سخنان در حالی مطرح می‌شود که چندی پیش، نامه پوزش‌خواهی ساعدی‌نیا از درون زندان خطاب به رهبری، گمانه‌زنی‌هایی را مبنی بر احتمال شمول عفو یا تخفیف مجازات گسترده برای او را بر سر زبان‌ها انداخته بود.

سد «آثار ماندگار جرم» در برابر توبه‌نامه

جهانگیر در تشریح علت عدم کفایت عذرخواهی برای بستن این پرونده تصریح کرد: «باید منتظر ماند تا ادله ارائه شده مورد ارزیابی قرار گیرد و مشخص شود که تا چه میزان قابل پذیرش است یا نیست. رویه قضایی نشان می‌دهد اگر فردی عملی انجام داده باشد که آثار آن باقی مانده باشد مانند وارد کردن خسارت یا ایجاد جنایت، صرف عذرخواهی نمی‌تواند باعث مختومه شدن پرونده شود». این بخش از سخنان سخنگو، مستقیماً به اتهاماتی اشاره دارد که پیش‌تر علیه ساعدی‌نیا مطرح شده بود؛ اتهاماتی از قبیل «همراهی با اعتصابات صنفی» و «ترغیب به اقدامات مخل نظم» که

شهر

آناتومی یک سفره

سفره‌های خالی ماه رمضان؛ افطاری ساده برای یک خانواده، ۳ میلیون تومان!



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

درحالی امروز نخستین سحرگاه رمضان فرا رسیده که امسال، غبار سنگین تورم چنان بر چهره بازار نشست که بوی افطار بیش از آنکه یادآور معنویت باشد، بوی محاسبات بی‌آغاز و انجام ریاضی را می‌دهد. بررسی‌های میدانی ما در آخرین روز بهمن نشان می‌دهد که «جراحی اقتصادی» حالا به استخوان رسیده است. جایی که ساده‌ترین نماد سفره افطار، یعنی یک کاسه آش رشته، با قیمتی فراتر از نیم میلیون تومان رسماً از فهرست خریدهای روزمره طبقه کارگر و بازنشسته خارج شده و به جرگه کالاهای لوکس پیوسته است.

آش رشته؛ خروج نماد سادگی از سفره محرومان

ماه رمضان که نزدیک می‌شود، آش رشته از یک غذای ساده به نماد سفره افطار تبدیل می‌شود؛ غذایی که هم سنتی بود و هم نسبتاً اقتصادی. اما گزارش‌های میدانی از سطح شهر تهران حکایت از یک شوک قیمتی بی‌سابقه دارد. براساس قیمت‌های نهایی شده روز ۲۹ بهمن، آش رشته یک‌ونیم کیلوویی با تزئین کامل ۵۵۰ هزار تومان قیمت‌گذاری شده و برای خرید یک سطل دو کیلوویی باید ۷۴۰ هزار تومان هزینه کرد. این ارقام در مقایسه با درآمد بخش بزرگی از خانوارهای شهری، به‌ویژه کارگران و بازنشستگان، فراتر از «تأمل» و در مرز «تراژدی» است. افزایش قیمت حبوبات در یک سال اخیر، عامل اصلی این پرواز قیمتی است. وقتی لوبیا چیتی ۹۰۰ گرمی از مرز ۶۵۰ هزار تومان عبور می‌کند و نخود به نزدیک ۳۰۰ هزار تومان می‌رسد، دیگر نمی‌توان انتظار داشت که آش رشته، غذای مردمی باقی بماند. این تغییر نه به‌دلیل تغییر ذائقه بلکه نتیجه مستقیم افزایش هزینه مواد اولیه و افت قدرت خرید است؛ تغییری که باعث شده بسیاری از خانواده‌ها امسال این نماد سنتی را از سفره‌های خود حذف کنند.

آناتومی یک افطار ساده؛ ۳ میلیون تومان برای چهار نفر

بیابید با چرتکه واقعیتی، هزینه یک سفره افطار بسیار ساده را برای یک خانواده چهار نفره در شب اول رمضان ۱۴۰۴ محاسبه کنیم. اگر این خانواده بخواهد سنتی‌ترین شکل افطار

